شورای اتفاق در دادگاه تاریخ

Ketabton.com

تهران - دفتر حمایت از نهضت اسلامی

افغانستان

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

بسم الله الرحمن الرحیم

شورای اتفاق در دادگاه تاریخ

از قرار اطلاعات رسیده از منابع موثق ، شورای اتفاق که با کوله‌باری از تزویر و ریا و نفاق سه سال تمام مردم سلحشور و متدین هزاره‌جات و روحانیت مبارز آن سامان را به جنگ داخلی و برادرکشی گرفتار ساخته بود سقوط کرد .

با سقوط این جمعیت بظاهر اسلامی که تحت سرپرستی آقای سید علی بهشتی اداره میشد ، می‌توان خوشبین بود که در راه پاکسازی عناصر نفوذی غرب در داخل جنبش اسلامی افغانستان یک گام دیگری برداشته شده است .

اکنون در حاشیه خبر فوق (سقوط شورای اتفاق) ذهن خوانندگان متعهد را به نکاتی جلب میکنیم که ماهیت شورا ، سیر تحول دروغی آن از لحظه تاسیس تا لحظه سقوط ، سوء استفاده‌های قدرتهای غربی و شرقی از جریان مزبور و بالاخره بی‌آمدهای زیانبار آن را ، روشن خواهد ساخت .

انجام رسالت فوق ، یک تعهد اسلامی است که برخی از جوانان علاقه‌مند به جنبش اسلامی افغانستان احساس نموده و با مشکلات فراوان تدارکاتی نسبت به تحقق آن اقدام کرده‌اند . انگیزه اصلی اینگونه حرکتها ، رهنمودهای اخیر فقیه عالیقدر حضرت آیه‌الله العظمی منتظری است که بمناسبت ملاقات با خانواده شهدای ۷ تیر معظم‌له فرمودند " امروز مسئله کمک به جنبشها با آن اهمیتی که دارد رو بفراموشی رفته است و بسیاری از آنها از ما مایوس شده‌اند . این کار را بنظر من باید خود مردم و ملتهای مسلمان به شکلی انجام بدهند . لذا من مجددا " احساس وظیفه شرعی میکنم و به ملتهای اسلامی و ملت بزرگوار و فداکار خودمان میگویم ما اگر نخواهیم مسجدالاقصی قبله اول مسلمین را از دست صهیونیست های غاصب آزاد کنیم و ملتهای مظلوم افغانستان ، عراق و لبنان را در جهاد مقدسشان علیه کفر یاری نمائیم تنها راه معقول و مشروع ، شناسائی و تقویت نیروهای مسلمانی است که در این کشورها با جاهای دیگر در حال مبارزه با کفر هستند " (روزنامه کیهان شماره ۱۲۱۹۹ مورخه ۱۷ شهریور ۶۳) با چنین سفارش و توصیه‌های موکد معظم‌له که در حد یک وظیفه شرعی ، حمایت از جنبشهای اسلامی را لازم و ضروری دانسته‌اند ، بر هیچ مسلمان وظیفه شناس ، جای شک باقی نمیگذارد که باید در هر شرایطی این رسالت ارزشمند را عملی ساخت .

ما (جمعی از جوانان علاقه‌مند به جنبش اسلامی افغانستان) در اجرای این مسئولیت که از سوی فقیه عالیقدر به ملت بزرگوار و فداکار خودمان محول گردیده است تاکنون موفق شده‌ایم با جمع آوری مقادیری دارو و مواد بهداشتی و ارسال به جبهات جنگ افغانستان ، کوچکترین گام را در این رهگذر برداریم .

چاپ و نشر این جزوه گام کوچک دیگری در راه اجرای مسئولیت " شناسائی و تقویت نیروهای مسلمانی است که ... " بشمار میرود . از خداوند قهار خواستاریم که گامهای

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

ما را در راه خودش استوار نگه دارد .

ضمنا " در تنظیم جزوه کنونی سعی شده است با روابط و آشنائی های مختصری که با برادران سپاه پاسداران و وزارت امور خارجه وجود داشته است ، از خط ترسیم شده توسط نظام جمهوری اسلامی ، تخطی ننموده بلکه در راه تقویت و تثبیت آن بیش از پیش کوشش بعمل آید .

فصول این مقاله عبارتست از :

فصل ۱- گذری کوتاه بر تاریخچه شروع مبارزات اسلامی افغانستان در دهه اخیر :

در سال ۱۹۷۳ مطابق با ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ سردار محمد داودخان (داماد ظاهر شاه) با یک کودتا با حمایت شوروی رژیم پادشاهی ظاهر خان را سرنگون ساخت . با سرکار آمدن داود ، جنبش اسلامی افغانستان در مرحله رشد اولیه بود ، در سال ۱۹۷۸ مطابق با ۷ ثور ۱۳۵۷ روسها به کمک دست نشانده خود نورمحمدترکی کودتائی براه انداختند . از این تاریخ قیام مسلمانان شدت گرفت . در سال ۱۹۷۹ مطابق ۱۳۵۸/۶/۲۵ حفیظ الله امین نخست وزیر نورمحمدترکی کودتای دیگری بر علیه او (شرکی) صورت داد و او را بقتل رسانده و خود قدرت را بدست گرفت .

پس از چند هفته در تاریخ ۵۸/۷/۱۰ ببرک کارمل که یکی از هواداران شوروی است بر علیه حفیظ الله امین کودتا کرد و او را سرنگون و مقتول ساخت قبل از روی کار آمدن ببرک کارمل روسها ده‌ها هزار سرباز (۱) وارد خاک افغانستان کردند ، و بمحض اینکه ببرک کارمل بقدرت رسید مبارزات مسلمانان آنکشور با تقاضای کمک از شوروی به این تجاوز جنبه رسمی و قانونی داد اوج گرفت و بیشتر شهرها و روستاها و کوهستانهای آندیار را نهضتی خونین بر ضد استکبار شرقی (شوروی) و رژیم دست نشانده روسیه فرا گرفت . دولت ببرک کارمل نیز متقابلا" بکمک مستقیم ارتش اشغالگر روسیه قلع و قمع خونین ، مبارزین را ادامه داد و هم اکنون ستیزی سلحشورانه و مومنانه در سرزمین قهرمان خیز افغانستان جریان دارد .

فصل ۲- موقعیت استراتژیکی مناطق مرکزی (هزاره‌جات) :

افغانستان کشوری است وسیع و بزرگ که از شمال با شوروی و از غرب با ایران واز جنوب و شرق با پاکستان و از شمال شرقی با چین کمونیست هم مرز است . پایتخت آن کابل و شهرهای بزرگ آن عبارتست از : قندهار ، هرات ، بغلان ، قندوز و چاریکار ، مزارشریف و غزنی . جمعیت این کشور که بالغ بر بیست ملیون نفر است . دوسوم آن را برادران اهل سنت و یک سوم آن را برادران شیعه مذهب تشکیل میدهند .

مناطق مرکزی بنام هزاره‌جات معروف است و شامل شهرهای : لعل و سرجنگل و خصه اول ودوم بهسود ، لولنج ، جغتو ، ناهور ، مالستان ، جاغوری ، ورث ، اوزگان ، گذاب ، گجران ،

---

(۱) در همان روزها چندین بار بیانیه ببرک کارمل از رادیو مسکو و تاجکستان پخش شد در حالیکه رادیو کابل برنامه‌های عادی خود را پخش میکرد .

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

بلخاب و دره‌صوف میباشد . با اینکه اکثر مناطق سنی نشین افغانستان بدلایل گوناگون از اهمیت خاص خود برخوردار است و از نظر قیام و جنبش اسلامی برادران اهل سنت مان قابل تحسین و تمجید میباشد ولی مناطق مرکزی (هزاره‌جات) که مرکز سکونت اکثر برادران شیعه مذهب است ، از اهمیت سوق الجیشی ویژه‌ای برخوردار میباشد (۱) . زیرا منطقه مزبور ، در کل افغانستان بصورت یک محور کلیدی برای همه دولتها و قدرتهای در حال کشمکش تلقی میگردد و هر قدرتی که بتواند ، حاکمیت سیاسی - اجتماعی مناطق هزاره‌جات را بدست گیرد ، خود بخود یک اهرم فشار نیرومندی را در اختیار خواهد داشت تا فشارها و نوسانات سیاسی - نظامی کل کشور را تعدیل نماید . قدرتهای بین المللی چنین تصور میکنند که با دردست داشتن نبض حاکمیت در مناطق مرکزی ، خواهند توانست قدرت رقبای خویش را در زیر فشار قراردادن حکومت مرکزی افغانستان ، خنثی نموده و احیانا " دولت مرکزی را زیر سلطه خویش در آورند .

علاوه بر این ، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران هر چند که همه مسلمانان افغانستان در خط اخوت اسلامی با جمهوری اسلامی ایران متحد و همسو میباشند ولی مناطق مرکزی در راستای تشیع سرخ علوی که وجه مشترک شیعیان افغانستان و ملت شهید پرور ایران بشمار میرود از اهمیت استراتژیکی دیگری برخوردار گشته است . و آن عبارت از رابطه متقابل و تنگاتنگی است که بین جامعه تشیع ایران و افغانستان در هرگونه تصمیم‌گیری استراتژیک وجود دارد و نسبت به سیاستگزاری و معادله‌بندی آینده این منطقه حساس جهان از وحدت نظر کامل برخوردارند .

ضمانت این همسوئی ، وحدت دیدگاههای طرفین در مورد مسایل اصولی و من جمله مسئله مهم و حیاتی رهبری اسلام میباشد که در بستر " روحانیت مبارز " و " حوزه‌های علمیه " و مدارس دینی روی بسمت ولایت فقیه و اعتقاد به لزوم تصدی زعامت و رهبری امت توسط ولی فقیه جامع‌الشرایط در حال شکوفائی و رشد قرار داشته و همپای اوج گیری مبارزات ملل محروم منطقه ، این نهاد مشترک در فرهنگ اعتقادی شیعیان ایران و افغانستان ، منطقه شیعه‌نشین هزاره‌جات را از اهمیت خاص برخوردار خواهد ساخت .

پیوند فرهنگی دو جامعه تشیع ایران و افغانستان در ادوار مختلف تاریخ گذشته ، درمحاسبات سیاسی دولتها و قدرتهای جهانی که بر سرنوشت اینده ملت بزرگ به کشمکش میپرداخته‌اند ، مطرح بوده است .

همانگونه که قبلا نیز یادآور شدیم ، پیوندهای فرهنگی - عقیدتی شیعیان دو کشور ایران و افغانستان که در این مقاله مورد تاکید قرار گرفته است نباید موجب سوء تفاهم برادران اهل سنت آنکشور گشته و تصور نمایند ، جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود ، وحدت مذهبی را تنها اساس روابط خود با ملل مسلمان و محروم تلقی مینماید .

---

(۱) بلکه مناطق مرکزی از ۲۰ حمل ۱۳۵۸ که قیام مسلحانه را آغاز نمودند در ظرف چهل روز الی ۲ ماه توانستند سراسر مناطق را از لوث وجود مزدوران حلقه بگوش روسیه آزاد نمایند .

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

فصل ۳- روحانیون مبارز در مقاومت و پیروزی مردم هزاره‌جات :

یکی از مشخصات جامعه اسلامی افغانستان ، تدین و تعهد دینی مردم به اعتقادات مذهبی و افکار و اندیشه‌های اسلامی است . حضور علما و روحانیون هم در بین برادران سنی و هم در مناطق مرکزی یک پدیده بارز اجتماعی بشمار میرود که نقش موثر آنان را در روند اوضاع و احوال جامعه و جهت‌گیری های فکری و فرهنگی نمیتوان نادیده گرفت . نقش روحانیون مبارز ، بخصوص در بین شیعیانی که از دورترین ادوار تاریخ ، مرکز عشق و آرزوی مردم و پناهگاه ستمدیدگان و محرومین بوده‌اند ، شاخصتر و بارزتر است بویژه که افکار اندیشه‌های شیعی همواره به ضرورت تفکیک ناپذیری دین از سیاست توصیه میکرده و مردم شیعه ، رهبری جامعه و امت را در وجود مرجع تقلید خویش جستجو میکرده‌اند .

این پیوستگی و همبستگی عمیق بین مردم مقلد و مرجع تقلید مقلد و یا شخصیت های برجسته روحانی ، فراتر از یک قرار داد اجتماعی که جنبه وظیفه شرعی و لزوم اطاعت و فرمان برداری از روحانیون متعهد را داشته و دارد .

بر این اساس ، همزمان با اشغال خاک افغانستان توسط روسها و بحاکمیت رسیدن مزدوران کرملین چون ، ترکی ، حفیظ اله امین ، و بالاخره ببرک کارمل که ستم و خونریزی و قلع و قمع مجاهدین و پیکارگران را شدت میبخشیدند ، و متقابلا صفوف ملت مسلمان افغانستان برای مقاومت و پایداری و جنگ با اشغالگران فشرده‌تر میگردید : همینکه مردم مسلمان آندیار احساس نمودند ، خطر اصلی از دیدگاه دشمنان خلقی آنان ، عمدتا به مدارس دینی ، علماء و روحانیون ، ناموس جامعه ، مساجد و قرآن و ... متوجه گردید ، عواطف دینی مردم عمیقا " جریحه‌دار گشت و مبارزات ملت دلیر افغانستان رنگ دیگری بخود گرفت .

علی رغم آنچه از نمای ظاهری مسئله افغانستان ، تداعی میشود که رقابت و کشمکش بین - المللی بین آمریکا و شوروی جریان دارد و احیانا " ایالات متحده خود را حامی جنبش مردم مسلمان افغانستان ، قلمداد میکند ، در حقیقت جنگ بین اسلام و ضد اسلام بوده وهر چند دوابر قدرت در منافع سیاسی - اقتصادی مربوط به افغانستان رقابت دارند ولی هر دو قدرت بزرگ جهانی در اینکه جوهر حرکت انقلابی مردم نباید اسلامی باشد ، اتفاق نظر دارند و نسبت بحاکمیت سیاسی آینده نیز استکبار بین المللی از بقدرت رسیدن یک جریان خالص اسلامی سخت هراسناک است .

از اینرو مشاهده میکنیم ، تبلیغات صدای آمریکا ، بی‌بی‌سی ، رادیو اسرائیل ، مونت کارلو با سخن پراکنی های رادیو مسکو و رادیو کابل در یک خط کلی هماهنگ میباشد . نه تنها در بعد تبلیغات که بمصداق : " الکفر ملة واحده " کلیه خطوط استراتژیک استکبار جهانی در رابطه با ضدیت با اسلام هم سوء و هماهنگ است .

با الهام از بینش و تفکر اسلامی ، روحانیون مبارز هزاره‌جات ، مردم ستمدیده مناطق مرکزی را در جنگ با اشغالگران روسی رهبری کرده و با تحمل دشواریها و تلخیها و ناکامی های فراوانی توانستند از مردمی که اکثریت قریب باتفاق آنان بیسواد میباشد ، سلحشورانی آگاه و مجاهدینی نستوه و مقاوم تربیت کنند .

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

در این میان برادر متعهد و مبارز حجه‌السلام والمسلمین صادقی نیلی که از شاخص‌ترین و شجاع ترین چهره‌های روحانی شیعی بشمار میرود گوی سبقت را از دیگران ربوده همراه با نیروهای مبارز مسلمان چون مشت واحد و بنیان مرصوص بودند و با رشادتی تحسین برانگیز پیشاپیش مجاهدین و رزمندگان دلیر هزاره‌جات ، علاوه بر هدایت و روشنگری فکری ـ سیاسی ، فرماندهی مبارزات مسلحانه و غرورآفرین آنان را نیز خود بعهده گرفت و با استفاده از امکانات اولیه نظامی توانست بکمک نیروهای مخلص دیگری که از قدیم الایام وارد مبارزه شده بودند توانستند مناطق مرکزی را آزاد سازند قضیه باینصورت بود که آقای صادقی نیلی در تاریخ ۲۰ حمل ۱۳۵۸ ولسوالی(فرماندهی) دایکندی را تسخیر کرد و در ۷ ثور ۵۸ولسوالی لعل را گرفتند و بعداً " پنجاب بدست مجاهدین دایکندی سقوط کرد . ولسوالی ورث و یکاولنگ را ولسوالان (فرماندهان) خلقی ترک گفته و فرار کردند و شهرها بدست مردم افتاد . ولسوالی‌شهرستان همزمان با سقوط ولسوالی دایکندی بدست تواتای حجه‌السلام قاسم علی موحدی تسخیر و زندانیان سیاسی آزاد شدند .

بفرمایش امیرالمومنین علیه‌السلام عند تقلب الاحوال تعرف جواهر الرجال آقای صادقی نیلی بعد از اینکه در شرایط حساسی قرار گرفت که چاره‌ای جز دست بجهاد زدن نداشت ، بصورت عجیبی وارد معرکه شد . او قبل از آن اندیشه انقلاب را در سر نداشت اما همینکه وارد معرکه شد هر روز که میگذشت بمقاومت ایشان افزوده شد و بدینترتیب با چهره درخشان هم اکنون یکی از چند رهبر انگشت شمار روحانیت مبارز افغانستان جای گرفت .

حجه‌السلام محمد اکبری که هم اکنون یکی از چهره‌های سرشناس انقلاب افغانستان میباشد در ابتدای قیام مردمی و قبل از آن نام و نشان انقلابی نداشت . بعد از تسخیر سراسری مناطق هزاره‌جات و تشکیل شورای باصطلاح اتفاق بعنوان یک قوماندان از طرف شورا بمناطق ترکمن و لولنج تعین شد و در آنجا با همکاری گروه توحید فتوحاتی انجام داد و نام و آوازه‌ای کسب کرد و بعد از اینکه انحراف شورا آفتابی شد ایشان علیه شورا عصیان کرد و مورد تحسین و تقدیر نیروهای انقلابی و مردم مسلمان آگاه قرار گرفت .

پس در حقیقت دانشمندان و طلاب جوان و متعهد که هم اکنون بدلایلی نامشان معروف نشده ولی شخصیت انقلابی شان در پیشگاه خدا محفوظ است همراه و همگام با آقای صادقی نیلی قیام و اقدام کردند و پایه گذار آزادی مناطق مرکزی گشتند و بدنبال آنان تاکنون صدها روحانی عزیز دیگر قدم بعرصه انقلاب نهاده است .

امید است که طیف روحانیون گرانمایه و مبارز افغانستان مفتاح الفتوح و طلیعه خیرات و برکات این امت بزرگ شوند .

فصل ۴ـ توطئه پشت پرده و نفوذ خطوط جاسوسی در منطقه هزاره‌جات :

در هر مبارزه و انقلابی یک سنت محتوم تاریخی وجود دارد و آن اینکه همپای رشد وتناوری پیکره انقلاب های مردمی دو عامل دیگر نیز مخفیانه ظهور و بروز می‌یابد یکی هواهای نفسانی که بصورت قدرت طلبی ، نفاق ، فرصت طلبی در داخل قلمرو انقلاب و بین مبارزین شکل می‌گیرد و دیگری توطئه های پشت پرده دولتهای استعمارگر خارجی است .

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

دو عامل مزبور در اکثر موارد مستقیم و غیرمستقیم با هم مرتبط بوده و در پرتو روابط و تاثیرات متقابل ، بصورت عامل نیرومند پرورش دهنده " عنصر ضد انقلاب " در میآید . وجود یک زمینه قبلی در میان مردم بنام " جهالت سیاسی " و بچشم خوردن جمود مذهبی - اجتماعی ، هم چون یک بستر رشد دوعامل فوقالذکر میباشد .

این سنت محتوم را در هر یک از انقلاب های : الجزایر ، فلسطین ، کوبا ، ویتنام و ... در اشکال گوناگون و ابعاد مختلف ، شاهد بوده ایم .

در افغانستان بدنبال اوج گیری مبارزات مسلحانه ملت مسلمان بر ضد استکبار خونخوار شرق دو عامل مزبور پا بعرصه نهادند و عامل سوم نیز موجب موفقیت هائی در قلمرو دو عامل نخست گشته است . ولی نظر باینکه مقصد اصلی این مقاله ، نشان دادن چهره کریه " شورای اتفاق " میباشد ما ، سیر عملکرد دو یا سه عامل مزبور را تنها در محدوده منطقه هزارهجات به بحث و بررسی میگذاریم .

پس از آزادی هزارهجات ، چند جریان مزبور با طرح توطئه های پشت پرده وارد عمل گشتند تا با یافتن پایگاهی در این منطقه ، آینده آن را در جهت اهداف و منافع سیاسی خویش کنترل نمایند :

الف - CID سازمان جاسوسی پاکستان ، این سازمان که در حقیقت وسیله اجرائی سازمان CIA آمریکا در منطقه میباشد با پرورش دادن عوامل جاسوسی و اطلاعاتی و فرستادن آنان به منطقه مزبور و پایه ریزی یک سلسه تماسها ، ملاقاتها با خوانین متنفذ هزارهجات زمینه را برای حضور طرفداران خویش در حاکمیت سیاسی مناطق مرکزی آماده ساخته است و هم اکنون و بموازات رشد حرکت سیاسی مردم ، عوامل و دست نشانده های آن تغییر شکل داده و در هر مرحله ای بفراخور حال و بنا به اقتضای شرایط اجتماعی و محیط انقلاب ، ابراز وجود مینمایند .

علاوه بر اینکه ماموریتهای عمده سازمان سیا در افغانستان بدست دولت پاکستان و بتوسط سازمان اطلاعاتی آن جامه عمل میپوشد ، دولت مرکزی پاکستان نیز جدای از آن ، بدلیل مرزهای مشترک خود با افغانستان ، روند مبارزات مردم را ، پیگیری و دنبال میکند تا مبادا در آینده ، معادله ای در این کشور ترکیب یابد که برخلاف منافع سیاسی دولت مزبور باشد . ولی چون رقابت دو ابر قدرت شرق و غرب بر سر مسئله افغانستان ، در بالاترین سطح ممکن جریان دارد ، قهرا " سایر جریانات سیاسی مانند اهداف خاص دولت پاکستان و .... تحت الشعاع ، تاخت و تازهای دو قدرت بزرگ جهانی میباشد .

بنابر این باید دید آمریکا و بلوک غرب در تلاش وسیع و همه جانبه خویش برای سلطه یافتن بر مناطق مرکزی هزارهجات چه اهداف و انگیزه هائی را دنبال میکنند :

۱- هدف تاریخی ، این هدف به استراتژی دوابر قدرت آمریکا و شوروی در رابطه باکشورهای افغانستان و پاکستان مربوط میشود زیرا روسیه شوروی از قدیم الایام دست یابی بآبهای گرم خلیج فارس را سرلوحه سیاست خود در خاورمیانه قرار داده و در مجموعه سیاستگزاریهایش نیل بهدف مزبور را از اولویت های سیاست خارجی خود تلقی مینموده است . دست

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

بابی بآبهای خلیج هم بلحاظ تسلط یافتن بر آبهای محیط به جهان اسلام و هم از زاویه رقابت های نظامی با غرب در یک جنگ بین الملل و هم بلحاظ در اختیار داشتن یک شاهراه حیاتی برای عبور و مرور کشتی های نفتی و تسهیل صادرات و واردات اقتصادی شوروی ،برای اینکشور ، اهمیت حیاتی و استراتژیک داشته و دارد . یکی از فلسفه‌های اشغال کشور اسلامی افغانستان نیز در همین هدف شوم استعماری نهفته است .

سردمداران کرملین چنین پنداشته‌اند که اوج گیری انقلاب در افغانستان و تشکیل حکومت انقلابی در کنار مرزهای روسیه ، خطر بیداری و جهش فکری ملیون ها مسلمان ساکن شوروی را بدنبال خواهد داشت .

برای پیش‌گیری از این خطر و علاوه بر آن ، تحقق یک آرزوی دیرینه که همان دست یابی به آبهای گرم خلیج است بکمک مزدوران خویش ، سرزمین اسلامی افغانستان را مورد تاخت و تاز وحشیانه سربازان ارتش سرخ قرارداده و از طریق اعمال فشار به منطقه پشتونستان که از دیر باز بین پاکستان و افغانستان بر سر آن اختلاف و کشمکش وجود داشته و دارد، برای تحقق اهداف و مقاصد خویش راهی را باز میکنند .

پشتونستان ، از دیدگاه روسها ، اهرم نیرومندیست که هرگاه بخواهد حضور سیاسی ـ نظامی آمریکا در پاکستان را بخطر تهدید کرده و یا چنانچه جهت‌گیری کلی سیاسی پاکستان با اهداف استراتژیک آنان مغایرتی داشته باشد بخواهد دولت مزبور را بسر عقل آورد و از مجرای تضاد با روسیه خارج سازند ، از این اهرم بهره برداری مینمایند آمریکا نیز متقابلا" برای خنثی نمودن هدف فوق الذکر ، چنین تصور میکند از طریق پاکستان در قلب افغانستان (مناطق مرکزی) بر علیه دولت افغانستان و بالتبع برضد منافع روسیه ، مسئله ایجاد کرده تا فشارهای وارده بر پشتونستان و پاکستان تعدیل گشته و یا چنانچه موفق شوند در هزاره‌جات حاکمیت سیاسی صددرصد را بدست آورند خواهند توانست در مقابل پشتونستان یک اهرم فشار قوی را برضد روسیه و دولت افغانستان در اختیار داشته باشند .

یک شاهد عینی این مدعا درگیری دو حکومت داودخان و ذوالفقار علی بوتو است که در سال ۵۳ در مقابل ادعای رئیس جمهور افغانستان داودخان روزنامه‌های ایران و پاکستان اعلام کردند که ذوالفقار علی بوتو گفته است : اگر شما (داود) خواهان پشتونستان هستید من افغانستان را هزارستان درست میکنم .

بر این اساس سازمان اطلاعاتی آمریکا " سیا " با همکاری سازمان امنیت پاکستان ، به هزاره‌جات بعنوان یک منطقه سوق الجیشی در قلمرو اهداف سیاسی ـ نظامی خود ، مینگرند . و همواره برای دور نگه‌داشتن منطقه مزبور از شکل گیری یک جریان ناب اسلامی و نیرومند تلاش کرده و میکنند . درست است که سیاستهای بیگانه در طول تاریخ روی منطقه هزاره‌جات قمارهای سیاسی بزرگی انجام داده و در حقیقت آن را در سیاست های خویش تجلیل و تمجید میکرده‌اند ولی باید توجه داشت که مردم شیعه ساکن منطقه مزبور از بازیها کنار بوده و در تاریخ نمیتوان کمترین وابستگی را برای مردم ساکن آن یعنی شیعیان محروم ثابت کرد .

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲- هدف اختلاف افکنی بین شیعه و سنی . یکی از بدیهیات جهان سیاست در راستای تفکر و بینش استکبار بین المللی اینست که ممانعت از وحدت اصولی مسلمین در مقابل استعمارگران غرب و شرق یکی از اصول اولیه سیاستگزاران جهانی بوده و هست تجزیه ممتد و تلخ حضور سیاسی - نظامی دول غربی و شرقی در جهان اسلام و تفرقه افکنی های مداوم آنان بین پیروان مذاهب اسلامی و کارشکنی مستمرشان نسبت به وحدت یکپارچه و همه جانبه جهان اسلام ، چیزی نیست که از نقطه نظر تاریخی بتوان در آن تردید نمود . تئوری معروف " اختلاف بیانداز و حکومت کن " که بدست استعمار پیر وفرتوت پایه گذاری شده در قاموس سیاسی در قدرتهای بزرگ جهانی که با چشم طمع به کشورهای اسلامی مینگرند ، هم چنان یک اصل کلی بشمار میرود .

آنان در اجرای سیاست شیطانی خود توسط ایادی جاسوس و عوامل فریب خورده و هم چنین مسلمانان ناآگاه ، مصیبت های مذهبی را بین مسلمانان زنده نگه داشته و مانع اجرای وحدت بین المللی مسلمانان شده و میشوند .

در افغانستان که اکثریت عظیم برادران اهل سنت در کنار اقلیت شیعه مذهب خواهند توانست در سایه اخوت و وحدت اسلامی شالوده وحدت و همکاری و همبستگی را در راه ایجاد حکومتی نوبنیاد و انقلابی و اسلامی را ریخته و برای همیشه جهانخوران شرق و غرب را از بازی با سرنوشت اسلام و مسلمین مایوس گردانند .

از اینرو مراکز تشیع و تسنن در افغانستان برای دول غرب و شرق بعنوان محورهای حساس و استراتژیک تلقی میشده است . بر این اساس اکنون که سرزمین اسلامی افغانستان با شغال سربازان روسی درآمده و بذر انقلاب اسلامی در عمق قلوب و نفوس مسلمانان مبارز آندیار افشانده شده ، زنده نگه داشتن اختلافات زیانبار شیعه و سنی هم برای آمریکا و دولتهای وابسته بآن و هم برای روسیه و مزدورانش یک نقطه سهم سیاسی تلقی میگردد . عوامل غرب چنین تصور میکنند با تثبیت حاکمیت سیاسی آنان در هزارهجات ، این اهرم سرنوشت ساز را هم چنان در اختیار خواهند داشت و خدای نخواسته بتوانند برادران شیعه مذهب افغانی ما را بر ضد برادران عزیز اهل سنت ، تحریک نمایند .

در این محاسبه نه تنها منطقه هزارجات که سایر شهرهای بزرگ افغانستان ، جائیکه برادران سنی مذهب ما زندگی میکنند ، اهمیت سوق الجیشی پیدا خواهند نمود .

۳- آمریکا بر اساس یک سنت شوم استعماری که در روابط بین المللی این قرن رایج گشته و قدرتهای بزرگ پس از یکدوره جنگ افروزی و آدمکشی در مناطق مختلف جهان ، سرانجام یک راه حل مشترک روسی - آمریکائی را بر ملت های مظلوم جهان تحمیل میکنند ، در افغانستان سعی بر این داشته و دارد که با در اختیار داشتن محاور طبیعی و انسانی در هر گونه راه حلی سهیم و شریک باشد .

این هدف شوم استکبار آمریکا را بر آن داشته تا از طریق دول دوست و وابسته بخود ، محیط مبارزات ملت مسلمان افغانستان را آلوده ساخته و به بهانه حمایت از آنان در مقابل ابر قدرت روسیه ، محاور مطمئنی را تدارک ببینند .

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

نظر باینکه افغانستان در کنار مجموعه کشورهای منطقه برای دو ابر قدرت مخصوصا " آنیکی یکا که تاکنون توانسته کشورهای پاکستان ، ترکیه عربستان سعودی را بمدار خویش جذب نماید ، اهمیت داشته و بخصوص که مجاورت مرزی آنکشور با روسیه و چین ، اهمیت بیشتری بآن بخشیده ، ایالات متحده بطور جدی هرگونه راه حل مسالمت آمیزی را برای آینده افغانستان مورد مطالعه قرار داده و بنا دارد بطور فعال در آن سهیم باشد .

آمریکا ، نخست پیرامون یک راه حل صددرصد غربی که تامین کننده مصالح سیاسی آمریکا - و متحدانش باشد ، برنامه ریزی نموده است ولی تلقین یک راه حل روسی - آمریکائی را برای آینده افغانستان در درجه دوم نیز خواهد پذیرفت در هر دو صورت ، مناطق مرکزی حاکمیت سیاسی آن برای غرب اهمیت فوق العاده‌ای خواهد داشت .

بر این اساس تلاش وقفه ناپذیر ، موسسه‌ها و جمعیت های وابسته بغرب با کمک و همدستی دولت پاکستان در جهت گسترش نفوذ کلمه خویش جریان دارد و از هرگونه حرکت مستقل اسلامی بشدت جلوگیری می‌کنند .

آنان حتی برای سرکار آوردن یک جریان بظاهر اسلامی در هزاره‌جات بگونه ایکه عواطف مذهبی شیعیان را نیز اشباع نماید ، برنامه‌ریزی نمود تا در هر شرایطی ، جریان مزبور جزئی از نظام سیاسی آینده افغانستان گردد و از اینطریق خط نفوذی غرب در رژیم آینده آنکشور تثبیت شود .

۴- همانگونه که قبلا" نیز بآن اشاره شد ، استکبار جهانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ، ایجاد اختلال در جزر و مدهای انقلاب اسلامی بین ملل محروم جهان را یکی از سیاست های اصولی خویش قرارداده است و در این رهگذر از هیچ کوششی دریغ نکرده و نمیکند .

منطقه هزاره‌جات بطور طبیعی میتواند پایگاه نیرومند تشیع سرخ علوی شده و انعکاس روشنی از جریان طوفنده انقلاب اسلامی باشد و بمرور زمان بصورت یک سکوی مطمئن فکری- سیاسی در آید که امواج بیداری و آگاهی و حماسه و مقاومت را به سراسر کشور پهناور و قهرمان خیز افغانستان ، منتشر سازد .

تحقق چنین آرمانی ، در محاسبات استعماری غرب و شرق یک خطر عمده و قابل توجه است و لذا برای خنثی نمودن تاثیرات انقلاب اسلامی در مناطق مرکزی و دورنگه داشتن آن ازجاذبه نیرومند " صدور انقلاب " شیاطین وسوسه‌گر منافقانه تلاش می‌کنند ، این اثر پذیری گسترده و مردمی را با براه انداختن یک جریان بظاهر مردمی و اسلامی ولی وابسته و مرتبط با تفکر و بینش غربگرایانه ، خنثی و بی‌اثر گردانند .

ب- شعله جاویدیها " نیروهای مائوئیست وابسته به چین " .

شعله جاوید درافغانستان مجری سیاست های دولت چین کمونیست بوده و هیچ گونه استقلال فکری - سیاسی از خود نداشته و بجز تحقق بخشیدن باهداف سیاسی - نظامی دولت چین ، آرمان دیگری را تعقیب نمیکند . اگر بحث به دراز نمی‌کشید ، ستم ملی را بعنوان یکی از گروه‌های مائوئیست و خطرناک مطرح می‌کردیم . ستمی ها با شعله هائی در این مسئله

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

اختلاف دارند که فرقه اول در مبارزات و تحولات اجتماعی ملیت و قومیت را اصل دانسته و افکار ناسیونالیستی مخصوص آنانست ولی فرقه دوم یعنی شعله‌ایها طبقه را اصل زیر - بنائی در تحول میدانند و در رهبری کشمکش های اجتماعی مانند اکثر مارکسیست ها و ما - ئوئیست ها تضاد طبقاتی را مولد تحول دگرگونی ذکر میکنند .

ستم ملی ها که برهبری طاهر بدخشی فعالیت میکردندبدوقسمت شده اند ، درسمت شمال اکثراً بدولت تسلیم شده وکارمند دولت میباشند ، ولی درهزاره جات دراطراف اتحادیه وتنظیم طواف میکنند ، تاتسلیح شده برای کشتاروویرانگری بمناطق مرکزی برگردند .

کشورچین نیز بدنبال اختلافات متحدخودبا روسیه شوروی برسرزعامت ورهبری بلوک کمونیسم بین الملل تدریجا " به مدارغرب وبویژه آمریکا نزدیک گشت . آمریکاکه دررقابتهای بین الملل خودباشوروی ، نزدیکی باچین را یک امتیاز بزرگ پنداشت ، آنکشورراشدیدا " موردحمایت خویش قرارداد ودررقابت وستیز باروسید دریک خط مشترک باچین برنامه ریزیها راآغاز نمود .

بنابراین تمام آنچه دربخش قبلی نسبت به اهداف وانگیزه‌های ایالات متحده ودولت پاکستان برشمردیم جزئی از اهداف عملی دولت چین وبالمال شعله جاوید درافغانستان میباشد . علاوه برآن ، چین کمونیست پس از اشغال نظامی افغانستان توسط روسها ، احساس میکنداز ناحیه مرزهای مشترک خودبا افغانستان ، بمحاصره نظامی روس ها درآمده وشوروی از این طریق خواهد توانست درصورت بروز یک جنگ مرزی باچین ، نیروهای چینی رابا حمله های گاز انبری زیرفشارقراردهد . براین اساس ، مشی سیاسی - نظامی اورادرافغانستان ایجاب میکند توسط مزدورانی چون شعله جاوید وغیره درگیری روسیه رادرافغانستان تشدید ساخته وسربازان ارتش سرخ رابرای سالیان متمادی سرگرم جنگ با مردم سازدویادرصورت امکان ، دراثرفشارهای سیاسی - نظامی نیروهای روسی مجبور به ترک وتخلیه خاک افغانستان شده ومیدان برای تاخت وتاز نیروهای وابسته به چین درعرصه سیاسی آنکشور ، فراهم گردد .

درحقیقت تضادهای دوقدرت چین وشوروی باعث گشته تا ملت مظلوم افغانستان علاوه برهمه مظالم وتجاوزات وارده از سوی دو ابرقدرت غرب وشرق از سوی این همسایگان نیزمورد تجاوز سیاسی - نظامی قرارگیرد .

شعله جاوید با دردست داشتن چنین دستورالعملی ، درراستای مبارزات ملت مسلمان افغانستان ، منافقانه وموذیانه ، بانفوذ کردن درگروههای رزمنده اسلامی (شیعی وسنی)سعی دارد تابرای خودواربابان مائوئیستی اش پایگاههای مردمی دست وپاکنند . بدیهی است درمیان ملتی مسلمان ومحروم چون مردم دیندار وخداپرست افغانستان ، یک جریان ملحد وکافری مانند شعله جاویدنخواهد توانست بی پرده پایگاه مردمی کسب نماید لذابراساس یک استراتژی بین المللی که همه احزاب وابسته به چپ ، سیاستهای خویش را دربین ملل مسلمان شرق تنظیم کرده وبه اجرادرمی آورند ، شعله جاویدیهانیز دزدانه میکوشندتازیر ماسکهای فریبنده انسانها وجمعیت های ناآگاه رادرجهتی بحرکت درآورندکه زمینه رابرای اجرای مقاصدشوم اربابان آمریکائی وچینی خودهموارسازند .

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

ج – بلـوک غرب بویژه دولت استعمارگرفرانسـه :

براهل خبره پوشیده نیست که حرص وولع دولتهای استکباری برچپاول ملتها به اندازه ائیست که علیرغم وحدت منافع آنان ، جداگانه تلاش میکنندبرکشورهای زیرسلطه وملـل محروم دست اندازی نموده وازاین خان یغمـا ، توشه‌ای بردارندهمانگونه که اگرشکـاری بدام افتد ، مورد حمله ویورش لاشخوران قرارخواهدگرفت .

این لاشخوران سیاسی نیز هرگاه ملل مظلوم جهان به دام هائی چون اشغال فلسطیـن . افغانستان دچار شوند برای ربودن منافع ومنابع وفرهنگ واستقلال آنان ، از یکدیگـر سبقت گرفته ودیوانه وارمیکوشندتا برای خودپایگاهی بهم زده درچپاول ملتها ، سهـم بیشتری پیدا کنند .

کشورهای بلوک غرب بخصوص فرانسه که دریک خط عام هم پیمان ومتحد آمریکا بشمار رفتـه ودربسیاری از اهداف استراتژیک بین المللی مانند جنگ ایران وعراق ، انقلاب فلسطیـن و... توافق نظر دارندولی هریک از آنها جداگانه نیز وارد عمل شده تادرصورت امکـان درمعادلات مادی موجودجهان غرب ، وزنه سنگین تری پیدا کنند .

افغانستان مظلوم شاهد این تراژدی وانگیزه مصیبت بارست . زیرابه موازات دخالتهـای گسترده دولت دست نشانده ضیاء الحق که به نیابت آمریکا صورت میگیرد وتجاوزات مرمـوز مائوئیستهای چینی که آنهم رابطه استراتژیک با منافع غرب وآمریکا داردوعلاوه بردخالتهای کشور مصر ، سعودی ، اردن ومراکش که باز جلوه‌ای از خواستهای استکبارغرب بشمار میـرود هریک از دولتهای انگلستان ، آلمان وفرانسه برای خودحساب وکتاب مستقلی باز نمـوده وآتش بیارمعرکه‌ای شده اندکه بیست میلیون مسلمان ستمدیده درآتش آن میسوزنـد .

دولت خونخوارفرانسه که خاطرات آدمکشی ها وجنگ افروزیهایش درالجزایرهنوزدرخاطره هـا باقی است و دستش تا مرفق بخون مردم ایران ، عراق ، فلسطین ، لبنان ، چاد ، مصـر الجزایر ، آغشته است . زیرلوای دفاع از گرسنگان وبیماران ومجروحین افغانی ، اشـک تمساح ریخته وبا فرستادن اکیپ های درمانی وبهداشتی وارسال مواد غذائی وداروئی بمنطقه هزاره‌جات ، تلاش میکندتا چهره سیاه خویش را مردم دوست وحامی مظلومین جلوه داده تـا بلکه درمناطق مرکزی هزاره‌جات محبوبیتی یافته ودرحاکمیت آینده افغانستان از آن زاویه سهم بیشتری دریافت نمایـد .

طبیعی است که حضور جاسوسان فرانسوی درزیرپوششهای بشردوستانه ، موردتائید آمریکـا ودولتهای وابسته بغرب قرارداشته وهمکاری فرانسویان درافغانستان جزئی از مبـارزه با مارکسیسم وکمونیسم تلقی خواهدشد . از سوی دیگر اینگونه دخالتهای بظاهربشردوستانـه درکشورهائی چون افغانستان که واقعا " از غریب ترین کشورهائی است که بایکی ازبزرگترین قدرت نظامی قرن (شوروی) دست وپنجه نرم میکند ، ومردم شجاع وسلحشورش دریک جنـگ نابرابرهرروز تعدادزیادی شهیـدومجروح وروز به روز برتعدادگرسنه گان وبیمـاران ومجروحین افزوده میشود ، از نظرروانی فریبنده است وچنانچه این کمبوداساسی درآینـده مرتفع نگردد ، خطر فریب کاریهای بلوک غرب جدی ترخواهدگشت .

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

د - احزاب خلق وپرچم (احزاب حاکم برافغانستان) :

دوحزب مزبورکه از جمله جریانات وابسته به شوروی بوده وهم اکنون حاکمیت سیاسی برافغانستان را غصب نموده! ندپس ازآنکه درمقابل حملات رعدآسای مردم سلحشور هزاره‌جات (برهبری حجت الاسلام صادقی نیلی) مجبوربه عقب نشینی گشتندوچندین مرتبه با یورشهای سنگین به مناطق مرکزی وتحمل خسارات وتلفات بیشتراز بازپس گرفتن آن مایوس شدند، توطئه دیگرچیده واین بارجواسیس نفوذی وخوش نام خویش را به صحنه فرستادند تا فکرایجاد یک تشکیلات حکومتی را بین مردم القاء نمایند.

آنان از تشکیلات مورد نظر خود اهداف زیررا تعقیب میکردند:

۱- ازصحنه خارج ساختن نیروهای متعهدروحانی وغیرروحانی که نقش اصلی را درآزادسازی مناطق مرکزی دردست داشتند. آنان با نفوذدرسازمانها واحزاب ایکه از آگاهی سیاسی کمتری برخوردارندخواسته اندتا عناصرساده لوح وساده اندیش رافریفته وبدست آنان عناصر اصیل ومتعهدانقلاب رایا به سنگلاخ اتهامات وانشعابات حزبی وگروهی انداخته ویا با جوسازی وشانتاژوپرونده سازی آنان را دستگیرو دربین مردم مسلمان، چهره محبوب شان را مخدوش سازند.

خلقی ها وپرچمی ها بهتراز هرکس میدانندکه درمنطقه هزاره‌جات، ضربه اصلی راازچه شخصیتهائی خورده وچه عناصری درآینده مزاحم حاکمیت بی چون وچرای آنان درافغانستان میباشند. آنان دریافته بودند تازمانی که ابتکارعمل دردست روحانیون مبارزوانسانهای مومن وپاکباخته باشد، حکومت غاصب مارکسیستی افغانستان قادربه فروپاشاندن برج وباروی مناطق مرکزی نخواهد بود. از سوی دیگر آنان بوجود شخصیتها وعناصرعقب مانده وساده اندیش دربین مردم شیعه هزاره‌جات پی برده‌بودندومیدانستندچنانچه با این طیف همدم وهمساز شوند خواهند توانست، جنگ روشنفکرومرتجع راکه از قدیمی ترین جنگهای ساخت استعمار است، درآن مناطق دامن زده وبه بزرگترین مقصدخویش‌که منزوی نمودن واز صحنه خارج ساختن عناصر مبارزومومن وانقلابی است نایل گردند.

۲- بیرون راندن مائوئیستها (شعله جاویدیها) از صحنه. واضح است رقابت وکشمکش دیرینه دو قدرت شوروی وچین که بظاهررنگ ایدئولوژیک داردودرحقیقت نمایشی است از بازی دوقدرت ومبارزه برسرمنافع سیاسی، حتی درکشوری مانند افغانستان که درطول تاریخ بازیچه امیال سیاسی قدرتهای بزرگ جهان بوده، لحظه‌ای خاموش نخواهد شد. شعله جاویدیها، عامل سرسپرده چین پیشقراولان شعیرپایگاه برای آمریکا ازیکسو واردمعرکه شده اندوخلقی‌ها وپرچمی ها، مزدوران شوروی از اینسوبرای بیرون راندن رفقای مائوئیست خود، ماجراجوئی میکنند. این روند مصیبت زا بخصوص درافغانستان تاکنون، تلخی های فراوانی را به ارمغان آورده‌است.

۳- بیرون راندن جواسیس پاکستان وعوامل سازمان جاسوسی آمریکا " سیا ":

آنگونه که قبلا" گفته شد، عوامل اطلاعاتی غرب بویژه سازمان " سی آی ا " از قیام ملت مسلمان افغانستان قصد سوء استفاده راداشته ودرمقاطع گوناگون وتوسط دولتهای باصطلاح اسلامی زمینه سازیهائی راانجام داده است. خلقی ها وپرچمی ها که دررابطه

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

با ارباب بزرگ " اتحاد جماهیر شوروی " خودرا درتضاد با عوامل غرب مشاهده میکنند برای خنثی نمودن تلاشهای دولتهای غربی برآن شده تا با نفوذ درجریانات اسلامی هم جواسیس سیا را شناسائی کرده وهم زمینه پاکسازی وبراندازی جریانات وابسته به غرب را تدریجا فراهم آورند.

خوشبختانه مسلمانان آگاه افغانستان وبرادران زمنده هزاره جات بخوبی این نکته را دریافته اندکه اینهمه جنگ تبلیغاتی دوابرقدرت غرب وشرق دامی است برای فریفتن افکارعمومی وقبضه نمودن انقلاب ها وجنبشها.

وچنانچه درسطح پائین ، مزدوران ووابستگان دوابرقدرت گمان کنندتضادی بین آمریکا وشوروی درراس وجوددارد، ولی شواهدوقرائن بسیاری دردست است که ثابت میکند درسطوح بالاهرچند اختلاف وکشمکش دربودن منافع ملل زیر سلطه وجوددارد اما درموردسرنوشت عمومی مسلمانان جهان نه تنها تضادی ندارندکه گاهی وحدت وتفاهم استراتژیک نیزپیدا میکنند.

با این حال فریب خوردگان خلقی وپرچمی دراجرای حاکمیت بی چون وچرای خوددرافغانستان وگسترش سلطه غاصبانه خویش بهرتاکتیکی دست زده وبهر وسیله‌ای توسل می جویند.

درهزاره‌جات خط مشی آنان این است که با نفوذ دردرون جریانات انقلابی واسلامی حتی الامکان فرصت بسیج نیروهای مسلمان افغانی برضد ارتش اشغالگر روسیه ودولت خلقی ضایع گشته وبجای آن نیروها را رودرروی یکدیگر قرارداده و بالاخره به اهداف یاد شده خودبرسند.

خلاصه سخن اینکه ، پس از آزادی مناطق مرکزی بدست مردم متدین وبا نظارت وزعامت روحانیون معظم ومتعهد، چهارجریان عمده قدم به صحنه نهادندتا به دورغ میراث خوارخون شهداء شده قیمومیت مردم محروم هزاره‌جات را دردست گیرندکه فهرست واربه ترتیب زیر از آنها بحث شد:

۱ـ سازمان " سی آی دی " به رهبری سازمان " سی آی ا " .

۲ـ شعله جاویدیها (مائوئیستهای وابسته به چین) .

۳ـ بلوک غرب بویژه فرانسه استعمارگر.

۴ـ خلقی‌ها وپرچمی ها (احزاب حاکم برافغانستان) .

فصل ۵ ـ عواملی که زمینه تاسیس شورای اتفاق را فراهم ساختند:

درمناطق مرکزی ، دودسته عوامل را میتوان نام برد که زمینه شکل گیری حزب "شورای اتفاق " را فراهم ساخته اند:

الف ـ عوامل مردمی .

ب ـ عوامل ضدمردمی .

عوامل مردمی :

۱ـ وجودفقرفرهنگی وعلمی وعقب ماندگی سیاسی وفکری که معلول سلطه چندصدساله استعمارگران برکشور افغانستان میباشد. زمینه مهمی بوده وهست که نه تنها درجریان تشکیل " شورای اتفاق " ، بلکه دربسیاری از توطئه‌گریهای دیگر دشمن شرقی وغربی

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

درطول تاریخ خسارت ها وتلفات مادی ومعنوی رابرمردم محروم آن دیار تحمیل ساخته است .
مردم افغانستان اکثرا " از نعمت علم ودانش بی بهربوده ونسل جوان همواره با سرگرمیهای غیرمردمی از رشد فرهنگی بازمانده وطیف عظیم دانش آموزان ودانشجویان از کمبودمدارس استاد ، هزینه تحصیلی ، مواد درسی ، ودیگر عناصرمشوق اجتماعی ، رنج میبرده است .
عقب افتادگی عمومی ، یکی از پدیده های رایج کشورافغانستان است بعنوان یکی ازره آورد های سلطه جهنمی استعمارگران ودولتهای ناتوان ونالایق ، هنوزهم درردیف بزرگترین وخطرناکترین دست آویز دولتهای بزرگ برای دخالت درامورداخلی آنکشور واهانت به سرنوشت مردم قهرمان آنجا بشمارمیرود . بموازات عقب ماندگی فرهنگی ، افکاروراندیشه های اسلامی نیز چنان تیلورلازم راپیدانمنموده است . بااینکه از نظرتدین وتعهدمذهبی، مردم افغانستان درردیف معتقدترین ملل اسلامی بمبانی دینی محسوب میگردند ، ولی آگاهی وبینشهای اسلامی ودرک وشناخت دینی ، درسطحی که باید باشد نیست .
بدون شک اشغالها ، درگیریهای مسلحانه ، زدوبندهای سیاسی ، سلطه گریهای دولتهای بزرگ درطول تاریخکه علمای اسلام ومبلغین مذهبی رادردرجه اول موردفشارومحدودیت واختناق قرارمیداده ودربروز پدیده مزبوربی تاثیرنبوده است .
دورماندن مردم از علم وفرهنگ از یکسووجدائی آنان از تبلیغات سرشارمذهبی وازسوی دیگر ، زمینه رابرای سوء استفاده بنام مذهب واستثمارمردم ورواج یافتن خرافات وبدعتها هموارساخته است .
البته نباید نقش یک اقلیت مبارزوروشنگر دربین علما وروحانیون واساتید ودانشجویان وفرهنگیان که منشاء حرکت ومبارزه وانقلاب ملت مسلمان افغانستان شده اندرادست کم گرفت . وضعیت یاد شده درمناطق مرکزی موجب گشته بود تااز هرپیروزی که مردم به رهبری روحانیت مبارز ودرپناه ایثارگزیها وشهادت طلبی های خود بدست می آورند ، یکعده عناصرنالایق وسوء استفاده چی که درانقلاب هیچ گونه نقشی نداشته وحتی مردم رااز تقلید حضرت امام خمینی بردیگران رجوع میدادندوباترویج جدائی دین از سیاست مانع شرکت مردم درجنگ باروسیه میشدند ، خودرااز نومطرح ساخته واین بارزیر پوشش انقلاب و.....با نیرنگی تازه تربرخرمرادسوارشده ودرجهت تثبیت سلطه ظالمانه خویش گام بردارند .
خان ها ، مالکین بزرگ ، فئودال ها ، که برحسب بافت طبقاتی افغانستان یکی از طبقات متنفذ اجتماعی بشمارمیروندواکثریت آنان عمری رادرسایه زورگوئی وقلدری وچماقداری ومزدوری حکومتها ، توده محروم آن دیاررابه بند می کشیدند . این طبقه که دستشان تا مرفق بخون مردم بیگناه افغانستان آغشته است ، حتی درشرایط انقلاب ، مایل نیستند از سلطه بیدادگرانه خود صرفنظرنموده وبساط یغماگری خویش را برچینند .
مع الوصف جمع کثیری از روحانیون (وعاظ السلاطین) که عمری رابه دعاگوئی " خان " امرارمعاش نموده بودند ، جزئی از طیف مزبور شده وخواسته اندتاپیروزی روحانیون مبارز ومردم ایثارگررانیز به تیول خوانین ومالکین وابسته به قدرتهای بزرگ درآورده وبه مردم چنین تفهیم سازندکه تاخوانین و... درصحنه نباشند ، امکان کسب پیروزی براشغالگران

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

را نخواهند داشت .

دردوران حکومت ظاهرشاه که برخی آزادیهای اجتماعی وجودداشت ، مارکسیستهای روسی وچینی حداکثربهره برداری راازآزادیهای مزبورنموده ودرسطح دانشگاه ومدارس افکار مسموم خویش رابه جوانان معصوم افغانی تزریق میکردند . درامتداداین سوء استفاده فکری وفرهنگی ، اکثریت عظیم ملت از خواندن ونوشتن محروم بوده ومردم متدین درحد یک اسلام سنتی بدون آگاهی های لازم ، عقب نگهداشته میشدند .

رشد یک قشر جوان تحصیلکرده چپ گراورشد پدیده خان بازیکه ازمواریث کهن جامعه افغانستان میباشد وهم اکنون کلیه جناح های چپ وراست ازتحصیلکرده هاگرفته تاخوانین وابسته به پاکستان وسازمان سیا وبلوک غرب دست دردست یکدیگر ، تلاش میکنند تا از شکل گیری یک جنبش ناب اسلامی جلوگیری نمایند .

سرمداران این حرکت ضدانقلابی ، علاوه برجناح های چپ چینی وروسی ، همان خوانین زالوصفت وچماقداری هستندکه دراثرضعف حوزه های علمیه ومحرومیتهای اجتماعی جامعه روحانیون افغانستان یک قشر وسیع از " وعاظ السلاطین " رایدک کشیده ویدین ترتیب سه عامل " زوروزروتزویر " رابه جنگ جوانان متدین " پیروخط امام " وروحانیت مبارزوانقلابی آن دیار ، فراخوانده اند .

درمناطق مرکزی ، جریان مزبو بعنوان یک عامل بظاهرمردمی ، عرض اندام نموده ودرشکل گیری درجریانات مثبت وسازنده ای خودرا بردیگرعوامل اجتماعی که درآینده نزدیک به بحث آن خواهیم پرداخت تحمیل میکند .

۲- دومین عامل ایکه درهزاره جات مطرح بود ، پیروزی سریع وچشمگیرمردم بردولت مرکزی بودکه بارهبری دقیق روحانیونی نستوه ومقاوم چون آقایان صادقی نیلی واکبری و... صورت گرفت وخودبخود باعث پیدایش یک خلاء اجتماعی گشت . زیراپس از پیروزی مزبور دربین رجال وشخصیتهای مذهبی وسیاسی آن منطقه دو تصور وجودداشت یکی اینکه پیروزیهای کسب شده رادرحد یک آزمون انقلابی که جامعه رابرای برداشتن گامهای بلندتری آماده ساخته وسیله ای قرارداد برای حرکت های سیاسی - نظامی وسیع تر وپرداختن به آزادسازی سایر مناطق اشغال شده وپیوستن به دیگر نیروهای رزمنده وپیکارگرکه درشمال وجنوب وشرق وغرب افغانستان به جهاد مقدس اسلامی مشغول بودند . دراینصورت می بایست کلیه امکانات بالفعل وبالقوه رادرراه گسترش دادن جنبش آزادیبخش اسلامی بسیج نمودواجازه ندادکه کوچکترین وقفه یارکود وتعللی درحرکتهای بسیج مردمی بروزکند .

تصوردیگراینکه پیروزیهای کسب شده را زمینه ای برای تشکیل یک حکومت موقت انقلابی دانست که درمناطق آزاد شده تشکیل گرددواداره امور سیاسی - اجتماعی - نظامی " جامعه تشیع " رابدست گیرد ومدیریت های فرهنگی ، قضائی و... راتقویت سازد واز این طریق یک سکوی نیرومند قدرت رابوجودآوردنابنیه مالی ، تسلیحاتی مجاهدین وسنگرنشینان راتقویت نماید و...

این دو تصورکه به ظاهر هیچگونه منافاتی با اندیشه های انقلاب اسلامی نداشت ، پس

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

سنگینی میکـــرد. ولی نظربه اینکه رهبران فکری جامعه تشیع ومناطق مرکزی درآن لحظـــه هیچگونه برنامه مدون ومنظمی برای تشکیل حکومت موقت انقلابی دردست نداشتندوحتـــــی درآن شرایط حساس آمادگی دست زدن به چنین کار عظیمی درمنطقه بچشم نمیخورد، دوجریـان دست به کارشدندتا از بروز خلاء موجود درجهت اهداف نامشروع ومقاصد شیطانی خودبهره بـر داری نمایند. یکی همان خطوط وابسته به غرب وشرق بودندکه درفصـول پیشین ازدیدگاهها ی خیانتبارشان صحبت به منطقه هزاره جات سخن رفت ودیگری خوانین خودخواه وروحانیون ناآگاه ایکه درهرشرایطی منافع مادی وشخصی خودرا مدنظر گرفته وبا احیانـا " ماموریتهای خارجی از دولتهای ضداسلامی رابه مرحله اجرا میگذارند.

ایندوجریان که یکی ریشه درسیاستهای استراتژیک استعماربین المللی وسلطه یافتـن برسر نوشت ملل محروم داردودیگری از نفسانیت وخودخواهی وقدرت طلبی نشاءت گرفته ، فکـــر تشکیل یک حکومت موقت رادربین روحانیون ومردم القاء نمودند.

بااینکه تشکیل دولت اسلامی وحکومت انقلابی یکی از آرمانهای قرآنی مسلمین بوده ودیـــن مقدس اسلام بعنوان یک اصل تفکیک ناپذیر از پیکره رسالت انبیاء علیه السلام بحکومـــت اسلامی نگریسته ودانشمندان وفقهاء اسلام درطول تاریخ این اندیشه مظلوم ومتروک دینـی راهموار مورد بررسی واجتهاد قرارمیداده. تااینکه حضرت امام خمینی این تئوری گمنـام رانخست تدوین وبه استناد آیات وروایات به مرحله عمل نهادند. وطبعا " روحانیـــت مبارزافغانستان نیز بعنوان یک اصل کلی به آن معتقدبوده وهست ولی درشرایط سخت ودشوار جنبش افغانستان که بیشتربا سازماندهی نیروها وبسیج آنان برضد اشغالگران سازگـــار بودامکان پیاده ساختن یک حکومت ایده آل اسلامی وموقت درهزاره جات ، وجودنداشت.

براین اساس خطوطوابسته به استکبار (سازمان سیا ـ سازمان جاسوسی پاکستـــــان وشعله ایها و...) که از بافت اجتماعی منطقه اطلاع کامل داشته واز عدم آمادگـــــی سران جنبش برای تشکیل حکومت اسلامی وقوف داشتند، این فکر یعنی تشکیل یک دولت موقـت راکه ظاهرا " باآرمانهای عقیدتی وسیاسی مسلمانان سازگاربود، بشدت مطرح نمودنـــد ونخستین قشریکه بادرخط وابستگی به سیاستهای خارجی بسرمیبردوبا الهام از نفسانیـات وجهل فکری وسیاسی طمع حکومت برمردم رادرسرمی پروراندند، به این ندای مرمـــوز وخائنانـــه لبیک گفتنـــد.

جریاناتی که این اندیشه راالقاء وترویج می نمودند، یقین داشتندکه باتوجه به جهـــل وبی سوادی عامه مردم وسابقه تاریخی خوانین ونفوذ برخی روحانی های ناآگاه درمیـــان مردم ، چنانچه این طرح به عمل درآید ، اکثریت قاطع نیروها مستقیم وغیرمستقیـــم درقبضـــه قدرت آنان قرارخواهدگرفت وعناصرصالح واصیل ومتدین که یک اقلیتی بیش نبودند درحکومت مورد نظر یک جایگاه نیرومندی رابدست نخواهندآوردوامکان طردوعزل ودفـــع آنان وجوددارد وازسوی دیگر، خطوط شیطانی که طراح اصلی این اندیشه بشمارمیرفتند، بـه خوبی میدانستندکه درمنطقه آزادشده هزاره جات اصولا" دوطرزتفکراسلامی وجوددارد، یکـــی متعلق به روحانیت مبارزوانقلابی وعناصرمتدین وخط امامی است ، ودیگری همان تفکـــر سنتی متعلق به خوانین وکدخداها وفئودالها . آنان که درمکتب شیطنت وتفرقه افکنـــی

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com The Digital Library

استادبوده وهستند، مطمئن بودندکه با تشکیل یک نظام سیاسی ـ اجتماعی موردنظرخویش میتوان این دو طرزتفکررا درهمه ابعاد به جان هم انداخت وانرژی ها را به جنگهای داخلی معطوف ساخت ووضعی را بوجودآوردکه نیروها سرگرم اختلافات درونی شده واندیشه جنگ مسلحانه با دشمن اشغالگرتدریجا " افول کرده ویا حداکثرازاختلافات موجودمرتعی برای پرورش خطوط وابستگی به غرب وبه ویژه آمریکا، تدارک ببینند.

درجوملتهب وانقلابی آن روزها که قلوب رزمندگان از عشق یآبنده وپیروزیهای بزرگ آکنده بودومسلمانان مخلص وخداجو، شرایط پس از پیروزی رادریک افق سرخ وممتد، روزنه‌ای به آزادی ملت افغانستان می پنداشتندوطرح تشکیل دولت موقت رانیز یک وسیله درراه اهداف درازمدت خویش تصورمی نمودند، روحانیون مبارزومتعهدنیز جوموجودرابه فال نیک گرفته وبا تشکیل .... موافقت کردند. وبدین ترتیب عامل دوم که جلوه مردمی داشت که درصحنه سیاسی منطقه بدیگرعوامل موجودمنتظم گشت وراه رابرای اجرای توطئه شوم دشمنان هموارساخت.

اما عوامل غیرمردمی :

یکی دیگرازعوامل موثرکه زمینه ساز تشکیل شورای اتفاق بود، وجودگروههائی مانند " تنظیم نسل نوهزاره " بودکه با انگیزه‌های نژادپرستی توام وبا افکاروایدیشه‌های مذهبی ازقدیم الایام بوجودآمده بودوبا رفت وآمدهائی که درمناطق مرکزی داشت وبرقرارساختن ارتباطات اجتماعی، درعمق جامعه شیعی سنتی جایگاهی پیداکرده‌بود..

تنظیم نسل نوهزاره درشرایطی که مردم شیعه از تعدی وظلم حکام سنتی افغانستان بستوه آمده وبخارج کشورمهاجرت نموده بودند، تشکیل شد. بایدتوجه داشت که همانطورکه قبلا" یادآورشدیم، سیاست تفرقه طلبی یکی از کهن ترین شیوه‌های استعماربریتانیا بوده‌است وگرنه برادران تسنن وتشیع چنان پیوندهای عقیدتی مشترکی دارندکه بهیچ قدرتی نمیتوان بین آنان اختلاف ایجاد نمودامامسیاستگران استعمارگراز نادانی های موجودبین برادران شیعه وسنی، تعصب فرقه‌ای ساخته وآنانرابجان هم انداخته‌اند..

حکام سنی که قدیم الایام درارتباط باوابستگی به استعماروبرخورداری ازجهل وتعصب به مردمان شیعه ظلم وستم فراوان روامیداشته اند، باعث مهاجرت خیل عظیم شیعه به مناطق ایران وپاکستان شده وهمان ایادی مرموز مهاجرین راسازماندهی کرده. ودرقطب مخالف حکام، انگیزه‌های قومی ومذهبی رادرپیکره اندیشه وتفکرآنان بوجودآورده تا الی الابدتعصبات انحرافزای این دوفرقه بزرگ اسلامی، باقی مانده. ودرهرشرایطی دست آویزی برای چپاولگری بین المللی وجودداشته باشد.

پایه گذاران تنظیم، معتقدبوده‌اندکه مردم هزاره‌جات از نژادمغول بوده وبایددرطی مناسبات اجتماعی وفعل وانفعالات سیاسی، این گرایش قومی راهم چنان درجامعه خودرشددهند.

با تشکیل تنظیم درسال ۱۳۴۶ بسیاری از خوانین منتفذ وروحانیون سنتی وناآگاه که از مقلدین ومروجین آیه الله خوئی بودندبعضویت تنظیم درآمده. وبنای یک همکاری

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

گسترده را درهمه زمینه ها ریختند.

درسال ۱۳۵۷ با طرفداران ظاهرشاه خائن قراردادی منعقدنمودکه بنام اتحادیه معروف شد. اتحادیه به رهبری عبدالحسین مقصودی فعال است واز طرف دولت پاکستان حدودیکهزار قبضه سلاح سبک وسنگین درانبار دارد. هرچندسید اسحاق وکیل اتحادیه را ازخود میداندولی مقصودی که زدوبندبهتری وامکانات وسیع تردارد برسیداسحاق فائق آمدوفعلا" اتحادیه سیداسحاق که با " گل احمدگورکانی " مزدوروسرسپرده ، هم عهدوپیمان است از نظرکمکهای نظامی واقتصادی محروم است.

تنظیم نسل نوهزاره حلقه‌ای بودکه سه تفکر عمده درآن بچشم میخورد یکی اندیشه های نژادپرستانه مغولیستی ویکی اندیشه‌ها وافکارمائوئیستی که توسط عوامل نفوذی شعله‌ایها درآن داخل شده بودودیگری اندیشه‌های بظاهراسلامی که از سوی برخی روحانیون مقلد آیه الله خوئی تبلیغ میشد. این ترکیب نامتجانس بانیت هواداری از ظاهرشاه خائن افکارسلطنت طلبی رانیز درخودپرورش میدادولی علیرغم بافت چندبعدی آن ، خوراک اصلی فکری و ایدئولوژیکی ازسوی عناصرمائوئیست وابسته به شعله جاوید ارائه میگشت.

طرفداران مائوکه قبلا" از وحدت استراتژیکی آنان با سیاستهای غرب سخن رفت چنان دراین تشکیلات نفوذکرده بودندکه تاسطح کادرمرکزی ارتقاء مقام یافته وتصمیم گیریهای مهم حزب راجهت میدادند.

تنظیمی ها درآغازنشوونمای تشکیلاتی ، از سوی سازمان جاسوسی پاکستان وعوامل وابسته به آمریکا وغرب بطورغیرمستقیم کمک میشدندومجریان سیاست غرب درمنطقه که اهداف ومقاصد شان قبلا" باختصار بیان شد درسطح وسیع وگسترده درسازماندهی تشکیلات مزبورومهره چینی های شیطانی درآن شریک بوده‌اند.

علاوه برشعله ایهاکه درتنظیم نفوذکرده‌بودند ، عناصرستم ملی که آنان نیزازفریب خوردگان چینی بودنددرتغذیه تشکیلات تنظیم ، سهم بسزائی داشتند.

جالب توجه اینکه ، ساواک شاه نیز توانسته بود برخی مهره‌های اطلاعاتی خود را در قلب تشکیلات تنظیم نسل نو هزاره وارد سازد و در کویته پاکستان که در زمان حکومت شاه یکی از مراکز رفت و آمد انقلابیون ایران بود مهره‌های اطلاعاتی ساواک که عضو تنظیم نسل نوهزاره شده بودند ، به شناسائی و کشف مبارزین ایرانی اشتغال داشته و تشکیلات مزبور علاوه بر نقش منحرف کننده‌ای که در منطقه هزاره‌جات داشته با عوامل ساواک ایران نیز در لو دادن مجاهدین ایرانی که احیانا " با مجاهدین افغانی در تماس و ارتباط بوده‌اند همکاری وسیع و همه جانبه‌ای میکرده‌اند.

بر این اساس عناصر موجود در شالوده‌ریزی تنظیم بطور اجمال عبارت است از :

- افکار ناسیونالیستی مغولی که برای چنگیز قداست خاصی قائل بوده و عکس او را دردفاتر مربوط نصب میکرده‌اند.
- اندیشه‌های مائوئیستی شعله جاوید و ستم‌ملی که عکس مائوتسه‌دونگ رادر دفاتر تشکیلات بدیوارها نصب میکرده‌اند.
- اندیشه‌های بظاهر شیعی که از حوزه‌علمیه نجف توسط برخی روحانیون ناآگاه القاء میشد.

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

- اندیشه‌های سلطنت طلبی ظاهر شاه که‌توسط مشتی خوانین و چماقداران محلی حمایت میشد.
- اندیشه‌های سازمان سیا و سازمان جاسوسی پاکستان که‌توسط مهره‌ها و عوامل نفوذی کشور پاکستان تبلیغ میگشته است.
- اندیشه‌های سازمان جاسوسی ایران (ساواک) که‌علاوه بر همکاری استراتژیک بر محور سیاست آمریکا بر علیه انقلابیون مسلمان ایران جاسوسی میکرده است.

این تشکیلات که با ظاهری مذهبی و قومی و باطنی مائوئیستی و وابسته بغرب در پاکستان تشکیل شد، بخصوص بعد از کودتای ۷ ثور و مهاجرت مردم هزاره در پاکستان و ایران در پناه یک شعار جذاب (حمایت از شیعیان مهاجر و مظلوم) توانست بسیاری از متدینین ساده اندیش را فریب داده و در میان جامعه تشیع که تاریخی خونرنگ از ستم حکام نالایق افغانستان را پشت سرداشت، نفوذی قابل توجه یافت.

در فصل آیندد خواهیم دید که چگونه این سازمان شیطانی زمینه تشکیل شورای اتفاق را فراهم آورد و چه‌سان عناصر مائوئیست با ترکیبات دیگر تنظیم در شورای اتفاق نفوذ کرده‌اند ؟

فصل ۶- شورای اتفاق چگونه و در چه شرایطی بوجود آمد ؟

چنانچه در مناطق مرکزی پس از آزادی، آمادگی صددرصد برای ایجاد یک تشکیلات جامع و منضبط و گسترده وجود میداشت و آگاهی اکثریت مردم و روحانیت باندازه‌ای بود که بتوانند چهره‌های مرموز و توطئه‌گر را شناسائی کرده و از رشد آنان جلوگیری نمایند، بوجود آوردن یک سازمان نیرومند عقیدتی - سیاسی - نظامی یک عمل‌صالح بشمار میرفت زیرا از آنطریق، نیروهای مبارز و پیکارگر افغانستان را در شرق و غرب وشمال و جنوب آنکشور تقویت می‌نمود و زمینه را برای یک وحدت آگاهانه و مستقل از سیاست‌های غربی و شرقی، هموار میساخت‌ای کاش شرایط عینی هزاره‌جات پس از پیروزی مردم بر دولت مرکزی هرگز اجازه نمیداد، نیروها در داخل منطقه سرگرم اختلافات و تصفیه حساب‌های قومی - قبیله‌ای - شخصی گردند.

زیرا نه خط رهبری جنبش تبلور یافته بود و نه صفوف مجاهدین از یک وحدت عقیدتی برخوردار بود و نه طرحی مدون برای حکومت موقت در دست بود و نه خطوط و جریانات انحرافی بطور کامل کشف و خنثی شده بودند : در یک شرایط کاملا" نامساعد، فکر تشکیل دولت موقت از سوی محافل امپریالیستی و مزدوران وابسته به چین و پاکستان و آمریکا القاء شد.

همانطور که قبلا" تذکر دادیم اکثریت عظیم مردم از آنچه در پشت پرده جریان داشت بی‌اطلاع بودند، اقلیت نیروهای آگاه که در راس آن روحانیون مبارز و مطلع و مقاوم چون حجةالاسلام صادقی نیلی و دیگران قرار داشتند نیز آنچنان طرح و آمادگی شرکت در یک دولت موقت را نداشتند، تنها شیاطین بودند که دم را غنیمت دانسته با تمام قدرت به میدان آمدند تا خلاء موجود را توسط یک تشکیلات بظاهر اسلامی و مردمی ولی وابسته به منافع و مصالح خویش پر سازند.

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

شواهد و مدارک نشان میدهد که حاج غلام رسول یکی از خوانین حلقه بگوش دولت پاکستان در سال ۱۳۵۷ ابتدا به پاکستان رفت و پس از تشکیل اتحادیه مجاهدین مرکب از تنظیم نسل نوهزاره و طرفداران ظاهرشاه و مشتی از آخوندهای فریب خورده و فراری از افغانستان بوطن باز گشت و با استفاده از شرایط مناطق آزاد شده هزاره‌جات با همدستی شخصی بنام حاج شیرآغا تشکیلاتی بنام شورای تنظیم بوجود آورد .

با سابقه‌ایکه در فصل پیشین از تنظیم نسل نوهزاره بدست‌آمد ، می‌توان تنها مقصد حاج غلام رسول را از دست زدن به چنین تشکیلاتی فهمید . یکی از علمای بزرگ افغانستان حکایت میکند :

در مسیر راه به یکی از افراد سرشناس اینها برخورد نموده و او میگفته است : ما با دولت پاکستان صحبت کردیم و قول همکاری گرفته و آمده‌ایم تا یک تشکیلات حکومتی با اراء و انتخابات خود مردم ایجاد نمائیم . ولی نظر به اینکه ، تنظیم نسل نوهزاره با سوابق کنونی که داشت بین مردم از قداست و مشروعیت لازم برخوردار نبود و علاوه بر آن در اذهان برخی از روحانیون ، فاقد محبوبیت بود آن دو نفر (حاج غلام‌رسول وحاج شیر آغا) با مشورت مجدد با اربابان خود بر آن شدند تا طرح را بشیوه دیگری پیاده‌سازند . به شهر ورث‌آمده و به تمام قرا و قصبات و روستاها نامه نوشتند که از هر منطقه یک خوان و ارباب و یک آخوند در تاریخ مقرر به شهرستان ورث‌آمده و شورا تشکیل دهند . قریب به پانصد نفر از اربابان مفت‌خور و روحانیون ناآگاه در محل قرار گرد آمدند . آنان نخست نام شورای تنظیم را برگزیدند ولی در اثر اعتراض روحانیون آن را به شورای اتفاق تبدیل کردند . پر واضح است در جامعه اسلامی افغانستان که روزهای نخست قیام و مبارزه را پشت سر میگزارند و مبارزین از رشد لازم سیاسی برخوردار نبوده و حمل و بیسوادی و عقب ماندگی فرهنگی و سیاسی و خان بازی و انگیزه‌های طبقاتی و عوامفریبی ها بشدت بر جامعه حاکم میباشد ، اکثریت غریب با تفاق را چه کسانی تشکیل میدهند . در ورث اعلام شد با انتخابات آزاد یک رئیس برای شورای انتخاب و سپس سازماندهی تشکیلات را آغاز میکنیم . اکثریت قاطع حاضرین که نیمی را خوانین و نیم دیگر را روحانیون غیر مبارز و یا ضدانقلاب و چند نفر روحانی متدین وانقلابی تشکیل میداد ، شخصی بنام سید علی بهشتی را برهبری شورا برگزیدند .

شواهد امر نشان میدهد ، عوامل مرموز و وابسته به تنظیم نسل نوهزاره وما ئوئیستهای بظاهر مسلمان و شیعه در میان روحانیون مناطق مرکزی ، شخص بهشتی را قبلا" برای ریاست شورای مورد نظر خویش کاندید کرده بودند .

سید علی بهشتی یکی از طلاب و محصلین حوزه علمیه نجف اشرف بوده که پس از اقامت در نجف به افغانستان باز گشته بود و در ضمن اشتغال به منبر و موعظه به کسب و کار اقتصادی نیز مشغول شده بود .

بهشتی یقینا " وابسته به محافل غربی و امپریالیستی نبوده و نیست ولی چون شخص بوده ساده بی‌اطلاع از اوضاع جهانی و ناآشنا باصول و مبانی مبارزه و انقلاب ، مجموع عناصر پشت پرده او را برای شورا صالح تشخیص داده‌اند انتخاب بهشتی از چند نظر باب طبع

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

خطوط و جریانات انحرافی آن روز هزاره‌جات بشمار میرفت :

اولا" خوانین جنایت‌کار و خونخوار آندیار که بجز به یغما بردن هستی و نیستی توده مردم زحمتکش افغانستان هدف و مقصدی‌نداشته و ندراند ، از روحانیونی خوشنودند که با پیشه ساختن تقیه و سکوت و سازش‌مهر تایید را بر عملکرد آنان زده و پوششی باشند برای چپاولگری و غارتگری آنان که زیر ماسک روحانیت و مذهب و دینداری انجام میگیرد .

ثانیا " ناسیونالیست های نسل نوهزاره که اصالت‌نژاد مغول را مطرح میساختند ، بدنبال یک روحانی بودند که نتواند مرز میان قومیت و ایدئولوژی را مشخص‌ساخته و بطورطبیعی بازوئی باشد در اختیار اهداف ناسیونالیستی آنان .

ثالثا " محافل غربی که از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت خط امام در ایران بشدت‌آسیب دیده بودند ، برای کنترل عواطف و احساسات مذهبی مردم شیعه افغانستان که از یک گرایش شدید به ایران و خط امام برخوردار بوده‌اند ، در پی یافتن یک چهره روحانی و متنفذ مردمی بودند که با مرجعیت حضرت امام و خط معظم‌له هیچگونه رابطه و تناسبی نداشته باشد .

شخصیت سید علی بهشتی جامع سه خصلت مورد نظر محافل غرب و خطوط انحراف داخلی بود زیرا در طول زندگی اجتماعی نه تنها برخوردی قاطع بازورگوئی خوانین قلدور و چماقدار افغانستان نداشته بلکه پیوسته حامی و طرفدار آنان بوده و حتی معتقد است خوانین بهترین بازوی ارتباط با توده‌های مردم‌اند از سوی دیگر ، ناآگاهی سیاسی او و بیخبری او از تاریخ خونرنگ انقلاب اسلامی و جهل او از توطئه‌هائیکه بنام ناسیونالیسم انجام گرفته است و مغول پارتی های افغانستان فرصت میداد تا عمری را در زیر پوشش او براحتی بگذرانند .

از طرف‌دیگر او مقلد و مروج مرجعیت‌آقای خوئی بود و با افکار و اندیشه‌های حضرت امام خمینی دام‌ظله العالی فاصله‌های چشمگیر داشت و از این بابت یک عنصر مطمئن و صالح برای رهبری جنبش مردم افغانستان از دیدگاه محافل غربی بشمار میرفت . در آینده خواهیم دید که خصلت های آقای بهشتی چگونه توانست چند سال انقلاب را منحرف سازد وصدها نفر از بهترین نیروهای انقلابی را در جنگ داخلی به هدر دهد . پس از انتخاب سید علی بهشتی که بیوگرافی او در خاتمه این جزوه باطلاع خوانندگان محترم میرسد ، آقای صادقی نیلی به معاونت ایشان برگذیده شد . بنظر میرسد چهره واقعی این شخصیت بزرگ تا آن لحظه برای انتخاب کنندگان بوضوح روشن نشده بوده و از اینرو تصور میکرده‌اند او نیز در ردیف اکثریت روحانیون حاضر قرار دارد و خواهد توانست از وجود وی نیز سوء استفاده کنند . از سوی دیگر ممکن است ، شخصیت قوی و نافذالکلمه او که در آزادی‌منطقه هزاره‌جات نقش اول را داشته چنان افکار و اندیشه رزمندگان و انقلابیون را بخود معطوف داشته که ناچار به گزینش او گشته‌اند تا بلکه بتوانند شورا را در نخستین روزهای تشکیل آن ، در میان توده مردم دیندار و مبارز ، تثبیت نمایند .

در پاسخ آنانکه میگویند چرا آقای صادقی نیلی به عضویت شورای اتفاق در آمد باید گفت معظم‌له نیز تا حدودی از فعل و انفعالات و زدوبندهای سیاسی توطئه گران بی‌اطلاع بوده

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

است و پیشینه‌اش خطور نمیکرده که فکر تاسیس شورا در محافل وابسته بدولت پاکستان و غرب پرداخته شده و عوامل نفوذی ستمی ها و شعله‌ای ها مبلغ و مروج آنند . اما روح حق جوئی و تدین که یکی از مشخصه‌های وجودی اوست ، موجب گشت تا بمحض اطلاع از انحراف شورا از آن فاصله بگیرد .

تشکیلات شورای اتفاق :

۱- تشکیلات مرکزی که بنام شورای انقلابی اتفاق اسلامی نام داشت و ریاست آن را سید علی بهشتی داشت .

معاونین ریاست شورا :

الف : معاون شماره یک آقای صمدی

ب : معاون شماره ۲ آقای صادقی نیلی

ج : معاون عمومی آقای ناصری

۲- دارالانشاء :

منشی شماره یک سید حسن کرمانی . منشی شماره ۲ سید امین عارف

۳- کمیسونها :

الف : کمیسیون فرهنگی و تبلیغات بریاست سید احمد احسانی

ب : کمیسیون قضا بریاست سید جواد عارفی

ج : کمیسیون مالی بریاست سید جواد عارفی

د : کمیسیون نظامی بریاست آقای اکبری که بعدا" سیدجگرن آمد

۴- تشکیلات ولایت که از سوی شخص بهشتی تعین میشد و هرولایت و ولسوالی همان تشکیلات اصلی را داشت .

مرکز حکومت موقت شورای اتفاق تپه‌های بالای ورث .

آقای بهشتی در سال ۶۱ مجددا دست بیک انتخابات فرمایشی زد و از شهرستانها دعوت کرد و بآنان گفت من دیگر قادر به حکومت کردن برشما نمیباشم و باید خودتان کسی را برای این کار انتخاب کنید . باید توجه داشت که این گفته یک حیله و تزویر سیاسی بوده که هم قصد عوامفریبی و تبرئه خود را داشته و هم خواهان تثبیت موقعیت اش بوده است .

در این انتخابات معاونین بشرح زیر تغییر کردند :

معاون اول مظفری معاون ۲ سید حسن جوادی معاون ۳ سید احمد احسانی در سال ۵۹ سران شورا بفکر افتادند که حزب اتفاق را تاسیس نمایند . فلسفه این کار اولا" ایجاد پشتوانه برای شورا بود و ثانیا " انسجام بخشیدن به افرادیکه واقعا " در خط بهشتی کار میکنند و ثالثا " دارا بودن یک سکوی حزبی که درمواقع گوناگون بتوانند با احزاب سیاسی موجود رقابت یا سازش نمایند .

طراحان واقعی این تشکیلات که از معماران زبر دست و متخصص مسایل نفوذی و زیرزمینی بودند : ترکیب شورای اتفاق را چنان سازماندهی کردند که نمای ظاهری آن با هالـه‌ای از قداست و مشروعیت از سوی آخوندهای کذائی و ارباب و خوانین پوشانده شده باشد . آنان

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

با درک عمیق از ظرافت ها و حساسیت های موجود در جامعه مذهبی افغانستان چنان کارها را مرتب ساخته بودند که برحسب ظاهر ، شورا از نوعی نفوذ مردمی و مقبولیت مذهبی برخوردار بوده و نقطه ضعف ایدئولوژیک مانند حاکمیت مائوئیست های بیدین در پیکر ظاهری تشکیلات بچشم نخورد . ولی در باطن خط دهندگی بدست عناصر نفوذی بود .

آنان با این شگرد منافقانه توانستند از عواطف و احساسات مذهبی این ملت اصیل و خدا پرست حداکثر سوء استفاده را بنمایند .

از جمله عناصر نفوذی در تشکیلات شورای اتفاق میتوان از نادرصداقت اهل ناوه میشیا غران که از ستمی های معروف بود و پیروز ما لستانی نام برد که نفر شماره یک توسط نیروهای اصیل اسلامی بهلاکت رسید .

در سال ۱۳۵۹ نمایندگان شورا وتنظیم (سید حسن گلانتر و سید حسن فاضلی و حاجی برکت و غلام علی حیدری) تعهدنامه امضاء کردند و باهم دست اتحاد و همکاری داده تا در جنبه های گوناگون یکدیگر را در کشمکش های داخلی یاری دهند . آنان تعهدنامه کتبی خود را به پاکستان برده و از دولت درخواست کمک های نظامی نمودند . دولت پاکستان نیز مقادیر قابل توجهی تسلیحات و تدارکات نظامی برای آنان ارسال نمود . بلکه ماهانه و احیانا " در ماهی دو مرتبه امکانات نظامی و غیره در اختیار دفتر شورا در کویته قرار میگرفت . آقای صادقی نیلی که از سرشناس ترین علمای مبارز هزاره جات بود پس از تاسیس شورا به پاکستان رفت و از نزدیک برخی زدوبندهای توطئه گران را مشاهده نمود . او در پاکستان تصمیم گرفت تا با دیدار از ایران پاره آوردهای انقلاب اسلامی آشنا گردد . لذا بایران سفر نمود و در مدت اقامت چندماهه اش در تهران و قم و آشنائی با برادران واحد نهضتها ، توانست بمساعدت جمعی از دیگر از برادران عضو گروهای اسلامی افغانستان جبهه آزادیبخش اسلامی افغانستان را تشکیل دهند (۱۳۵۸) .

پس از مراجعت معظم له بافغانستان چند عامل باعث گشت تا او شورا را ترک کرده وبمنطقه دایکندی ، جایگاه و موطن اصلی اش که حرکت آزاد سازی هزاره جات را از آنجا شروع کرده بود رهسپار گردد :

یکی اینکه در پاکستان به پاره ای خطوط انحرافی که پشت پرده بنام شورای اتفاق با سازمان امنیت پاکستان در تماس و ارتباط بودند ، وقوف و آگاهی یافت و زمینه خروج از شورا در ذهنیت اش ریخته شد . دیگر اینکه با عزیمت بایران و تاسیس جبهه آزادیبخش اسلامی افغانستان ، سران تنظیم و دیگر اربابان غربی بشدت از تصمیم گیریهای او که خواسته جریان شورا را به انقلاب اسلامی در ایران مرتبط سازد ، خشمگین و عصبانی شدند . وانگهی معظم له در طول یکسال عضویت در شورای اتفاق ، آرمانهای خویش را که عمدتا " بر محور آزادسازی سایر مناطق اشغالی افغانستان و تقویت نیروهای اصیل اسلامی دور میزد ، برباد رفته میدید . چه آنکه از نزدیک شاهد بود چه سان عناصر شریف را در کارهای سطحی میگمارند و چهره های مرموز را درپست های کلیدی شورا بکار گرفته اند . او بوضوح میدید که نیروهای متدین و متعهد تدریجا " به یاس و نومیدی افتاده و امیدها

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com The Digital Library

به نومیدی بدل گشته و هیچ اقدام نظامی بر ضد اشغالگران صورت نمیگیرد از اینرو تصمیم گرفت تا با یک حرکت انقلابی و ضربتی سران توطئه را دستگیر و زندانی نماید. او با قابلیت خاص خویش در یک لحظه مناسب حرکت را آغاز نمود و تعدادی از مهره‌های پلید و مرموز را بازداشت و زندانی ساخت. که متاسفانه توطئه عمیق تر و پیچیده‌تر از آن بود که او تصور میکرد.

پس از بازداشت کردن خوانین با پادرمیانی آقای شیخ محمد دانش که مسئول حزب اتفاق در دایکندی بود آقای صادقی مجبور شد با سید علی بهشتی صلح کرده و قراردادی با مضاء رسانند و مهره‌های انحرافی را کنار بزنند و چنین شد. اما از آنجا که سید علی بهشتی فاقد صلاحیت بود، خوانین مزدور بهمکاری شیخ سرور امین شهرستانی جنگ داخلی را علیه آقای صادقی آغاز کرد. معظم‌له در این جنگ یک شهید داد بنام حاج موسی صدخانه. خوانین شکست خورده به حوزه شهرستان که مربوط به شیخ امینی بود پناه بردند و سید علی بهشتی بآنان آزادی داد.

خون شهید حاج موسی صدخانه پایمال هوس خوانین شد. از اینجا دومرتبه مناسبات صادقی و بهشتی بهم خورد و آقای صادقی نیلی از شهرستان به دایکندی بازگشت و با روحانیت مبارز و آگاه و مردم مظلوم همدست و همسوگشت تا پرچم مبارزه با شورای اتفاق را برافرازد.

آقای صادقی نیلی که در خلوص و ساده زیستن و تقوی وتعهد زبانزد خاص و عام بوده و در قاطعیت و خروش نمونداری از صحابه صدر اسلام است همینکه آثار انحراف و کجروی را در تشکیلات شورا مشاهده نمود بر آن شورید و با هجرت به دایکندی، زمینه فکری هجرت های فراوانی را در اذهان و اندیشه تنی چند از دیگر اعضای شورا که آنان نیز برای خدمت باسلام و مسلمین و انقلاب بعضویت شورا در آمده‌بودند، بوجود آورد.

در آینده و بهنگام تبیین عملکرد شورا در برافروختن جنگ های داخلی به نمونه‌هائی از این واقعیت اشاره خواهیم نمود.

در این گیرودار بود که جبهه ملی پدروطن در سیاست گسترش خود، از شهرها با بدورترین روستاها و کوهستانهای منطقه هزاره‌جات میهنهاد. جبهه مزبور که در سال ۱۳۵۸ با الهام از تئورسین های روسی تاسیس گشته بود، در سال ۱۳۶۰ دامنه فعالیت اش گسترش یافت. روسهای خونخوار قبلا" این طرح را دربلغارستان ـ چکسلواکی ـ آلمان شرقی آزموده‌بودند و آن را یک طرح موفق و پیروز میدانستند. جبهه ملی پدر وطن که درحقیقت عبارتست از "جبهه ضد ملی بی پدر وطن فروش" تشکیلاتش مارکسیستی وابسته به مسکو که ببرک کارمل ریاست آن را بعهده دارد.

این طرح بمنزله دامی است که خط حاکم بر افغانستان آن را برای روزهای مبادا که در افکار عمومی ملت افغانستان شکست خورده و رسوا گردند تدارک دیده است.

ببرک کارمل، پس از اشغال نظامی افغانستان توسط روسیه، زیرپوش جبهه ملی پدروطن اعلام کرد که قصد دارد حکومت را از حالت تک محوری خارج ساخته و همه اقشار و اصناف مردم را در حاکمیت سهیم گرداند. در حالیکه سخنان مزبور بصورت یک نیرنگ جدید مطرح

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

میشد معلوم بود که هدف روسها از برانگیختن چنین زمینه‌ای چیست . آنان قصد داشتند در پناه این فریب بزرگ ، بغیر از نیروهای وابسته بانقلاب اسلامی ، کلیه نیروهای سیاسی فعال در صحنه‌را مانند عوامل مرتبط بغرب و چین بگونه‌ای جذب یک جریان بظاهر ملی (جبهه ملی پدروطن) گردانیده تا با جذب نیروهای مزبور ضمن دادن امتیازاتی چشمگیر ، اولا" نیروهای مردمی که از خط روحانیت مبارز اسلام الهام میگرفتند . از صحنه منزوی سازند و ثانیا" با اشباع نیروهای وابسته بغرب و پاکستان و چین حداکثر زمینه درگیریهای داخلی را منتفی ساخته و آرامش را برجامعه حاکم گردانند . باید توجه داشت که خط وابسته بمسکو در شرایط حاکمیت سیاسی ـ نظامی و اشغال کشور دست بچنین دامی زده وبنا بر این خطری متوجه حاکمیت آنان خواهد بود . و چنانچه این فریبکاری جدید موثر افتد قادر خواهند بود با در دست داشتن زمام امور ، یک طرح روسی ـ غربی را که عمده نیروهایش بسمت مسکو گرایش داشته و یک اقلیت غربی را نیز در بر دارد ، مطرح گردانند . آنان با این وسیله علاوه بر متلاشی ساختن بنیان انقلاب اسلامی در افغانستان ، درا ندیشه آرام سازی و تشنج زدائی عمومی نیز بوده‌اند .

بر این اساس ، معاونت آن را از اقوام هزاره شخصی بنام فرقه فتیح بعهده گرفت واز پشتونها یکی از خوانین حاجی را بمعاونت برگزیدند .

خواننده محترم سرنخ ارتباطی مباحث را بیکدیگر از دست ندهد و توجه فرماید که در دومین سال تشکیل شورای اتفاق و همزمان با گسترش جبهه ملی پدروطن ، چگونه علاوه بر نفوذیهای مائوئیست و مزدوران ستمی و شعله‌ای که از طریق تنظیم بدرون شورا و درپستهای حساس آن رخنه کرده بودند ، مهره‌های خطرناکی نیز از طریق جبهه ملی پدر وطن بدرون تشکیلات شورا راه مییابند . مسئله چنین نبوده که این نفوذها بصورت غافلگیرانه و بدون اطلاع رئیس شوری انجام گیرد . هرگز .

بلکه با موافقت ضمنی و غیرمستقیم سید علی بهشتی و با مطرح ساختن پاره‌ای ضرورتها مانند شرایط اشغال کشور و ضعف و ناتوانی نیروهای اسلامی ، این شخص جاهل و نپخته را تدریجا" بمنجلابی کشاندند که بوی تعفن آن مشام بسیاری از اقشار مردم هزاره‌جات و روحانیون ساده لوح آن منطقه و بلکه در یک نگاه مشام ملت مسلمان افغانستان راآزار میدهند .

وزیر دفاع شورای اتفاق شخصی است بنام سیدجگرن ، او از افراد سرسپرده به محافل غربی و عنصری فاسد و تبهکار و شیطانی از مجرمین حرفه‌ای است که در آینده و درجریان بسر شمردن عملکرد وی متوجه خواهیم شد که چگونه این انسان دیوسیرت پس از فتح یکی از مناطق شیعه‌نشین که قبلا" توسط مردم و روحانیون مبارز اداره میشده ، به سربازان خوک صفت خود رخصت میدهد که به ناموس مردم شیعه تجاوز !! کنند .

جبهه ملی پدر وطن یکی از افسران بازنشسته از اهالی ترکمن را از طریق سید جگرن نزد آقای بهشتی فرستاد تا اجازه ورود فرقه فتیح ـ عبدالواحد سهرابی ـ حاجی عبدالرزاق را از کابل به منطقه هزاره‌جات بدهد . این سه تن از مهره‌های کثیف جبهه بوده و از قرار یکه به ریاست شورای اتفاق پیشنهاد شده بود آنان قصد داشته‌اند تا بنفع آقای بهشتی ، مبارزات مردم و گروهای انقلابی شیعه را خاموش سازند . همینکه مبارزین مسلمان از این

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

توطئه آگاه شدند ، فرقه فتیح معاونت جبهه ملی را در کابل بدرک واصل نمودند وسایرین از اجرای توطئه خویش و آمدن بمنطقه منصرف گشتند .

سادگی و سفاهت آقای بهشتی و مکروتزویر عناصر نفوذی جبهه ملی پدروطن باعث گشته بود ریاست شورا ، رابطه غیرمستقیم با دولت ببرک کارمل را یکی از نقطه مثبت های مبارزات خویش تلقی کند بطوریکه وقتی خبرنگار فرانسوی از ایشان سئوال میکند آیا شما با دولت کابل در تماس هستید یا نه ؟ او میگوید بطورمستقیم نه ولی غیر مستقیم ارتباطاتی وجود دارد . آنگاه خبرنگار سئوال میکند آیا شما با انگلستان و آمریکا مخالفت دارید؟ ایشان پاسخ میدهد از آنجا که ایندو دولت خدانشناس نبوده و به یکی از ادیان الهی معتقدند ، مخالفتی باآنان نداریم .

عملیات نفوذی در جنبش اسلامی افغانستان ، یک تراژدی مخوف و فلاکت باری رادر صحنه بوجود آورده است . اکثر گروهای اصیل و انقلابی در معرض خطرعو نفوذی خلقی ها ، پرچمی ، شعله ایها ، ستمی ها ، جبهه ملی پدروطن قرار دارند ولی در میان تمام احزاب و گروهای موجود در هزاره جات جریان شورای اتفاق و حرکت اسلامی (این گروه دوم نیز بنوبه خود قابل تحلیل و بررسی است) دلایل خاصی میتوان گفت که کانون رشد و پرورش عناصر نفوذی بوده بگونه ایکه چنانچه عناصر صالحی در تشکیلات آنان یافت شود قابل ذکر نیست .

یکی از عناصر نفوذی نیرومند همان فرقه فتیه بود یکه مائوئیست سابقه دار که پس از آزادی از زندان معاونت جبهه ملی پدروطن را بعهده گرفت و درنقش هماهنگ کننده نیروهای مائوئیست با دولت ، ماموریت گرفت مائوئیست های عضو شورای اتفاق از جمله دوتن از خواهرزاده هایش که دربخش اطلاعات شورای اتفاق بفعالیت اشتغال داشتند ، چه زود با فرقه فتیح هماهنگ شده و مقاصد و اهداف شورا را با خط مشی جبهه ملی پدروطن هماهنگ و منسجم ساختند .

یکی دیگر از عناصر نفوذی حاج نادرالله داد بود .بدنیست بدانیم که در زمان داود بسیاری از عناصر هوادر غرب دستگیر و زندانی شدند پس از دوران داود در عهد ترکی در زندان ماندند در زمان حفیظ الله امین که مجاهدین عادی را در زندان قتل عام مینمودند ، این دسته زنده ماندند و یکباره در زمان ببرک از زندان آزاد گشتند . آنان در زندان به اندازه کافی با سیاست حاکم بر افغانستان یعنی خط چپ روسی نزدیک شده بودند و انگیزه آزادیشان اجرای پاره ای ماموریت ها بوده که هریک از آنان در یکی از مناطق بحرانی آنکشور بعهده گرفته بودند .

یکی از این مهره های سرسپرده حاج نادرالله داد بود که همزمان با تشکیل جبهه ملی پدر وطن از زندان آزاد گشت . لازم بیاد آوری است که وضعیت اقتصادی افغانستان طوریست که در روستاها و دهات دراثر فشار خوانین و بی توجهی دولت ها و شرایط جوی اقتصاد کشاورزی و دامداری بشدت سقوط کرده و روستاها نوعی وابستگی اقتصادی به شهرها و شهرستانها پیدا کرده است . دولت مرکزی با بهره برداری از وضعیت مزبور همواره سعی میکند با دادن امتیازات توزیع مواد غذائی اولیه مانند گندم ، آرد ، برنج به مزدوران خود ،

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

خط انحرافی خویش را جامه عمل پوشانده و عناصر اصیل و توده مردم را به اسارت درآورد.
یکی از طرفندها بدست همین نوکر شناخته شده عملی شد .

او پس از آزادی از زندان با چند کامیون حامل آرد و گندم و مبالغ هنگفتی پول وارد مناطق مرکزی شد و در رابطه با شورای اتفاق شروع به بذل و بخشش و تقسیم مواد غذائی بین اکثریت مردم نمود تا آنجا که بین مردم هزاره‌جات شهرت بسزائی یافت .

این بذل وبخشش ها در حالی صورت میگرفت که دولت مرکزی از مدتها قبل هزاره‌جات را بجرم انقلابی بودن بایکوت اقتصادی نموده و کلیه کانالهای ارتباطی غذا و آذوقه و مایحتاج عمومی را بروی مردم قطع کرده بود .

او با بذل وبخشش مواد غذائی و پول بین مردم گرسنه و محتاج ، پایگاه نفوذ قابل توجهی کسب کرد و بلافاصله طرح اصلی را باجرا گذاشت تنی چند از روحانیون مبارز وعناصر متعهد را از مناسب خود که در رابطه با شورا داشتند عزل نمود و بجای آنان خانها و خانزاده‌ها را منصوب کرد . و اسلام زدائی شروع شد از قبیل حذف علما و روحانیون اصیل و مستقل ، تعطیل ساختن مدارس دینی تحقیر و سبک کردن نیروهای وفادار به خط امام و ... ولی همینکه متوجه میشود نقشه‌های او نقش بر آب شده و توده مردم در کنار روحانیت اسلام سنگر خویش را رها نساخته‌اند با جمع آوری تعدادی مزدور و افراد فریب خورده برسر پایگاههای متعلق به روحانیت (این تشکیلات بنام پاسداران جهاد اسلامی نامیده شده‌اند) بیورش مسلحانه برده و برادرانی که درکلاسهای نهج‌البلاغه بفرا گرفتن اندیشه‌های اسلامی مشغول بودند را به شهادت رساند . ولی نیروهای کفر ستیز اسلام موفق بدستگیری او و پراکنده سازیهای فریب خوردگان شده او را بازداشت و به منطقه ترکمن میفرستند .

جالب است همینکه خبر دستگیری حاج نادر پخش گشت ، آقای کشتمند نخست وزیر افغانستان با سران جبهه‌ملی پدر وطن جلسه‌ای فوق العاده نشست و برای آزادسازی نوکر خود فروخته‌شان بچاره جوئی پرداختند .

شورای اتفاق پس از این واقعه یکی دیگر از سگان زنجیری خودبنام ارباب غریب دادرا ماموربحمله وبیورش بمراکزجنبش ونیروهای وابسته به روحانیت مبارز جهت آزادسازی حاج نادر میسازد جمله‌ور شده وتعدادی از عزیزترین فرزندان اسلام را بشهادت میرساند ولی موفق بآزادکردن حاج نادر نمیگردند .

پس از مدتی حاج نادر بدلایلی که اینک فرصت تحلیل آن نیست از زندان آزاد شد ولی نیروهای پرصلابت جنبش اسلامی او را ترور و بدرک واصل نمودند .

پس دانستیم که شورای اتفاق این ارمغان غرب تحت چه شرایطی و دررابطه با چه جریاناتی تاسیس و تشکیل شد .

اکنون لیست اعضای شورای مرکزی شورای اتفاق :

باید باین نکته توجه داشته باشیم که اسامی اعضای شورای اتفاق مخلوطی است از عناصر مثبت و ارزشمند یکه اکنون از شورا خارج شده‌اند و عناصر ناآگاه و مزدور و خانها و خانزاده‌ها :

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱ـ آقای بهشتی	نماینده ورث	***	۲۷ـ شیخ نادرمهدوی		نماینده‌شهرستان
۲ـ محمدحسین خانشاهی	نماینده ورث	***	۲۸ـ آقای امین		نماینده‌شهرستان
۳ـ آقای شیخ علی‌علامه	نماینده ورث	***	۲۹ـ آقای افکار		نماینده‌شهرستان
۴ـ آقای علوی	نماینده ورث	***	۳۰ـ سیدحسن فاضلی		نماینده‌بلخاب
۵ـ آقای صادقی نیلی	نماینده دایکندی	***	۳۱ـ حاجی میرشاخدار		نماینده‌بلخاب
۶ـ محمد حسین دانش	نماینده دایکندی	***	۳۲ـ سیدمحمدعلی عالمی		نماینده‌بلخاب
۷ـ محمد اکبری	نماینده بهسود	***	۳۳ـ آقای مرتضوی		نماینده‌بلخاب
۸ـ سیدجواد عارفی	نماینده بهسود	***	۳۴ـ عبدالحکیم صمدی		نماینده‌جاغوری
۹ـ آیت‌ال... مظفر	نماینده بهسود	***	۳۵ـ عبدالصمد اکبری		نماینده‌جاغوری
۱۰ـ میرخادم	نماینده بهسود	***	۳۶ـ آقای انوری		نماینده‌جاغوری
۱۱ـ ارباب غریب داد	نماینده بهسود	***	۳۷ـ محمدامیربچه‌ملنگ		نماینده‌لعل‌وسرجنگل
۱۲ـ آقای مدرس	نماینده بهسود	***	۳۸ـ سیدحسین موسوی		نماینده‌لعل‌وسرجنگل
۱۳ـ آقای مرتضوی	نماینده بهسود	***	۳۹ـمحمدعیسی رحیمی		نماینده‌لعل‌وسرجنگل
۱۴ـ آقای عمرانی	نماینده بهسود	***	۴۰ـ حسینعلی پیروز		نماینده‌مالستان
۱۵ـ محمدعلی خان سناتورنماینده	پنجاب	***	۴۱ـ نادرصداقت		نماینده‌کجران
۱۶ـ مراد علی خان	نماینده پنجاب	***	۴۲ـ آقای کرمانی		نماینده‌کرمان
۱۷ـ شیخ ابراهیم‌خلیلی	نماینده پنجاب	***	۴۳ـ حاج غلام‌رسول		نماینده‌کابل
۱۸ـ سیدامین عارف	نماینده یکاولنگ	***	۴۴ـشیخ غلام‌علی موحد		نماینده‌اشترلی
۱۹ـ سیداسدال... احسانی	نماینده یکاولنگ	***	۴۵ـاربابسلطان		نماینده‌قناق
۲۰ـ آقای احسانی	نماینده یکاولنگ	***	۴۶ـسیدمحمدحسین کلانتر		نماینده‌تخت
۲۱ـ شاه محمدی	نماینده یکاولنگ	***	۴۷ـآقای فیاض		نماینده‌لومان
۲۲ـ شیخ محمدحسین ناصری	نماینده غزنی	***	۴۸ـحاج نادراللهداد		نماینده‌ترکمن
۲۳ـ معلم بابه	نماینده غزنی	***	۴۹ـ غلام‌رسول خان		نماینده‌شولگر
۲۴ـ میرزاغلامعلی	نماینده غزنی	***	۵۰ـ سیدحسن جوادی		نماینده‌دره‌صوف
۲۵ـ سیدمحمدحسین جگرن	نماینده ناهور	***	۵۱ـ طالب حسین خان		نماینده‌دره‌صوف
۲۶ـ آقای محمدعیسی	نماینده شهرستان	***	۵۲ـ حسن خان		نماینده‌سنگ چارک

فصل ۷ـ عملکرد شورای اتفاق :

جنایات و فجایعی که شورای اتفاق از بدو تاسیس ۵۸/۶/۱۵ تا روز انحلال سال ۶۳ مرتکب شده باندازه‌ای زیاد است که نمیتوان دراین جزوه مختصر بتفصیل درباره آن سخن گفت . البته ما قصد آن را نداریم که کلیه اعمال و رفتار اعضاء و هواداران شورای اتفاق را تخطئه کنیم چه آنکه بسیاری از هواداران آن در داخل و خارج افغانستان افرادی مستضعف و ناآگاه بوده ودر اثر استضعاف فکری و محرومیت های مادی وفرهنگی بدام آن گرفتار شدند . بیقین بسیاری از مهاجرین مظلوم افغانی که تصور میکرده‌اند زیر پوشش شورای اتفاق میتوان با دشمن اصلی مردم افغانستان یعنی شوروی اشغالگر ، مبارزه نمود ،اکنون

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

که به اسرار پشت پرده آن آگاه میشوند ، دندان ندامت بلب گزیده و برگذشته خود افسوس میخورند . حتی بسیاری از روحانیون معظم افغانستان که امروز در صف مبارزات ضد مارکسیستی پیشقدم و پیشتاز میباشند زمانی بگمان اینکه شورای اتفاق ، تشکیلات مورد نظر و مطلوب شان میباشد ، بعضویت آن در آمدند ولی بمحض اطلاع از نیرنگ بازی سران شورا و توطئه‌گریهای خطوط نفوذی ونامرئی بلافاصله از آن خارج شده و کفاره گناهان خویش را پرداخته‌اند .

اگر از عملکرد شنیع شورای اتفاق در این جزوه نکوهش و انتقاد میشود ، مقصود افشای کسانی است که آگاهانه یا بمنجلاب کثیف آن نهاده و یا ناآگاهانه بعضویت آن در آمده ولی هم چنان بر حقانیت و اصالت آن پافشاری مینمایند .

در عین حال هنگامیکه از عملکرد شورای اتفاق و فجایع آن در راستای جنبش اسلامی افغانستان ، سخن میگوئیم قصد آن را نداریم که کلیه مخالفین شورا را صددرصد مطلق بپنداریم . زیرا گروهها و جریانات اصیل مردمی و اسلامی که درسنگر ضدیت با شوراحماسه‌ها آفریدند ، بدون لغزش و اشتباه نبوده و نیستند . . .

واکنون نگاهی اجمالی به عملکرد ای اتفاق طبق اسناد ومدارکی که تاکنون بدست ما رسیده است :

الف ـ آتش افروزی در جنگهای داخلی .

جنگهای داخلی در جنبش اسلامی مردم افغانستان یک پدیده رایجی است که گوش هر مجاهد و مهاجر افغانی بآهنگ آن آشنا میباشد جنگهای مزبور نه ماهیت مذهبی دارد و نه ماهیت نژادی اصولا" برادران شیعه با اهل سنت و یا برادران پشتوئی و هزاره‌ای خصومت و جنگ برنامه‌ریزی شده‌ای نداشته‌اند . هرچند در مقاطع گوناگونی بتحریک بیگانگان ، کشمکش و مبارزه بین آنان درمیگرفته است ولی نمیتوان واژه جنگهای داخلی را برآن اطلاق نمود . مؤسس و بنیانگذار جنگهای داخلی ، شورای اتفاق بوده است و آتش افروزی جنگهای مزبور نیز یکی از ره‌آوردهای آن بشمار میرود . البته براهل بصیرت پوشیده نیست که شورای اتفاق چنان قدرت و جربزه جنگ افروزی نداشته و ندارد ولی جریانات سازمان یافته و منحرفی چون جبهه‌ملی پدروطن ، شعله‌جاوید ، تنظیم‌نسل نوهزاره و ... که یکی ازاهداف اصلی نفوذ دادن عناصرشان بدرون گروه‌های اسلامی ، برافروختن جنگهای داخلی بوده است . درسایر گروهها شانس کمتری داشته ولی در عمق شوراتاتفاق با توفیقات روزمره وموفقیتهای چشمگیری مواجه بوده وهستند و آنان زیرلوای ندانم کاریها و حماقت‌های آقای بهشتی هزاران نفر زن و مرد وکودک بیگناه را بکشتن داده و یا آواره ساخته‌اند .

انگیزه‌های آتش افروزی علاوه بر القائات جریانات نفوذی ، چندچیز میتواند باشد :

یکی روح " خودبزرگ بینی " و " خودمطلق نگری " در سران و سردمداران شورای اتفاق بود که آنان را ازخود بیخود ساخته و دیوانه‌وار در راه قلع‌وقمع مخالفین خود پیش میتاختند . این روحیه بغیر از ناتوانی های روانی که بوفور در رهبران تشکیلات بچشم میخورد معلول این جنبه بود که بآنان چنین فهمانده بودند که تنها راه نجات منطقه هزاره‌جات و مردم شیعه و سعادت دنیا وآخرت ملت ، حاکمیت شورای اتفاق میباشد و چنانچه با این

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

تشکیلات کسی مخالفت کند ، به سرنوشت سیاسی ـ اجتماعی مردم مناطق مرکزی خیانت کرده و ضدانقلاب محسوب میگردد . خودبزرگ بینی و خودمطلق نگری معمولا" در انسان هائی رشد میکند که ازجریانات بزرگ تاریخ و جهان وبشریت غافل بوده و خویشتن رادر یک سلسله مسایل فرعی و جنبی زندانی ساخته باشند . سران شورا که اکثرا" افراد بی‌اطلاع ازاوضاع و احوال ملل مظلوم جهان و فرازونشیب های موجود درروابط بین‌الملل میباشد ، چنین تصور نموده بودند که جریانی قدرتمندتر ، اصیل تر ، فعالتر از شورای اتفاق درجهان اسلام یافت نمیگردد .

آنان در خط مطلق نگری چنان رشد کرده بودند که آقای مهدوی نماینده رسمی آنان درایران در یک سئوال و جواب سیاسی گفته بود : " شیعیان افغانستان هم ازسوی دولت صفویه و هم ازسوی حکومت اسلامی مورد بی‌مهری واقع شده‌اند " و همینکه ازاو پرسیده شد که مگر شما بین دولت صفویه و دولت جمهوری اسلامی تفاوتی قایل نیستید ؟ گفت " ملاک در نظر ما مصالح و منافع شیعه در افغانستان است واز این زاویه تفاوتی بین انقلاب اسلامی و حکومت دودمان صفویه وجود ندارد " ؟؟ !

دیگر اینکه ضعف بینش و برداشت اسلامی آنان از اسلام و قرآن و همچنین فقدان شناخت ایشان از تحولات جهانی و بین‌المللی از آنان انسانی هائی ساخته بود ، متعصب ، کج فهم ، مغرور ، تندخو و ...

آنان که اکثرا" سابقه مبارزاتی شان به‌عضویت درشورای اتفاق منتهی میگردد ، وهیچگونه سابقه مطالعاتی یا مبارزاتی یا ارتباطات در هجرت ها ، تبعیدگاهها نداشته‌اند ، آیات و روایات وارده در امور اجتماعی ـ سیاسی ـ اقتصادی و ... را بنحو دلخواه و هماهنگ با روند فکری شورای اتفاق تفسیر کرده و بمخیله مبارکشان خطور نکرده که بتوان آیات و روایات مزبور را بهتر ، دقیقتر ، حکیمانه‌تر تفسیر و تحلیل نمود .

اکثریت قریب باتفاق آنان با الهام از مایه‌های اعتقادی خویش در امر رهبری اسلامی که ولایت فقیه بروایت امام امت فرسنگ ها فاصله دارد و بهمین جهت هنوز برتقلید از دیگران اصرار میورزند ، اصلا" با مقوله دخالت روحانیون در سیاست ، مبارزه ، جنگهای مسلحانه و درگیر شدن با استکبار ، مخالفت کلی داشته و دارند آنان براساس سفاهت مذهبی خاصی که از آن برخوردارند ، شورای اتفاق را یک حکومت شرعی و مفترض الطاعه برای شیعیان معرفی میکردند که مخالف با آن مرتد ، کافر ، مهدورالدم ، ناپاک و ... تلقی میشد .

آقای بهشتی که خود را همطراز امام امت و فرشته نجات مردم مظلوم شیعه افغانستان میداند براساس خود مطلق بینی و خودمحوری بخویشتن حق میداد از موضع ولایت مطلقه و فرماندهی کل قوا حتی شخصیت های ارزنده‌ای چون آقای صادقی نیلی و محمداکبری که توصیف مختصرشان گذشت را بنام مفسدفی الارض در بیانیه‌ها و خطابه‌های رسمی و حکومتی ، عنوان کند در یک اعلامیه ایکه بنام رهبر انقلاب حضرت آیه‌الله‌بهشتی صادر شده چنین آمده است : " برهر فرد مسلمان لازم است که این تشکیلات (شورای اتفاق) را از جهت دفاع ازحریم اسلام تقویت نماید " در اعلامیه دیگری که در تاریخ ۶۱/۵/۵ بامضای سید علی بهشتی صادر شده چنین میخوانیم : " صادقی مفسد نیلی دایکندی چپاولگریهای خود

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

را گاهی عنوان میدهد ... "

در بخشی از اعلامیه یاد شده میگوید : " اعضاء جامعه روحانیت مبارز که اکبری خائن و مفسد تشکیل داده ... "

درجای دیگر اعلامیه مزبور چنین میخوانیم : " ولی بفضل و مرحمت الهی اکبری مفسد شکست خورده راه فرار را اختیار کرد. تعجب از اینست که این مرد جنایتکار و مفسد در روزنامه‌های ایران عزیز اهمیت داده شده است و ... "

یک فقره بلند پروازی بهشتی را میتوان در جمله زیر که در تاریخ ۶۱/۳/۲۱ در یک مصاحبه از ایشان صادرشده ، مشاهده نمود :

مصاحبه کننده میپرسد : کنار رفتن آقایان اکبری ، علامه و ذکی و ... را از شورا چگونه توجیه میکنید ؟ او بیشرمانه پاسخ میدهد : " از باب تشبیه ضعیف برقوی بهمان علت که شریعتمداری کنار رفت بهمان علت علامه وذکی کنار رفته‌اند اکبری بواسطه ...تفرق نمودن ملت بهسود منفور ملت و از شوری کنار زده شد "

تیپ فکری شورا درباره ولایت فقیه اینست که همه افراد و عناصر روحانی از طلبه مبتدی گرفته تا علمای بزرگ و فقهای عظیم‌الشان دارای حق ولایت و حاکمیت بوده وکسی حق اعتراض بر عملکرد روحانیون ندارد آنان مصداق اتم واکمل این ولایت را درافغانستان درشخصیت آقای بهشتی متبلور میدانند و لذا اوامر و نواهی ایشان را واجب‌الطاعه دانسته ،خروج بر او را خروج برامام عادل بحساب میآورند و ...

مطلق نگری در سران شورا باندازه‌ایست که هرگروه یا فردی که با مبانی خاص آنان که اکثرا " از حوزه علمیه نجف اشرف الهام گرفته‌اند ، عامل سومی که امر را بآنان مشتبه ساخته‌خصلت مردمی بودن آنانست . تطابق نداشته باشد به التقاطی گری متهم شده و یا از دین ومذهب خارج گشته است . آنان دریک مغالطه رندانه نخست مخالفین خویش را بالتقاط متهم کرده سپس نتیجه میگیرد همانگونه که مرحوم شهید مطهری درایران بالتقاط مبارزه میکرده پس ما درافغانستان در موضع شهید مطهری بوده و مخالفین درموضع مخالفین آن شهید در ایران قرار دارند .

آنان براین اساس در شعارهای مردمی جمله " بهشتی رهبر " را بجای " خمینی‌رهبر " بکار میبرند از همنام بودن سیدعلی بهشتی با مرحوم آیه‌الله‌دکترمحمدبهشتی تاکنون سوء استفاده وعوامفریبی زیاد صورت‌گرفته است .

ریشه این توهم درحمایت بیدریغ اربابها و خانها و کلان های هرقوم ازجریان شورای اتفاق نهفته است . آقایان سردمدار شورا اعم از روحانی یا خان واژه مردم راتنها برکسانی اطلاق میکنند که بشکلی پیرامون آنان گردآمده‌اند . وجودجریان خوانین در پاکستان و افغانستان در طیف هواخاهان شورا آنان را باین پندار انداخته که واقعا " شورای اتفاق یک جریان کاملا" مردمی است ازسوی دیگر نباید از این نکته غافل بمانیم که‌اکثریت قریب باتفاق مردم شیعه افغانی ، عناصر بیسواد و کم فرهنگ و عقب‌نگه‌داشته شده‌اند و بر طبق همان اسلام سنتی ، روحانیون ناآگاه که دررکاب خوانین روزگار میگذرانند توانسته‌اند خود رابر مردم ناآگاه و محروم تحمیل ساخته و نوعی حمایت‌گسترده را برای

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

خود تدارک ببینند .

ایشان باین مفهوم خود را حامی و هدایتگرمردم و تشکیلات خویش را تنها کیسه آمال و آرزوی ملت تلقی میکنند و درشعارها زیاد باین جمله تمسک مینمایند که شورای اتفاق یک تشکیلات مردمی است ولی احزاب و گروههای مبارز هزارهجات مردمی نیستند . طبیعی است در جامعه ایکه اکثریت مردم مسلمان سنتی بوده و اکثریت قریب باتفاق متنفذین اش خوانین و روحانیون ناآگاه و وابسته باشند و عناصر آگاه و بافضیلت و مبارز دریک اقلیت قرار داشته باشند ، چه معادله وحشتناکی بوجود میآید و مردمی بودن و نبودن به چه روزگاری خواهد افتاد !!

نتیجه اینکه شورای اتفاق باستناد به عوامل سهگانه مزبور خویشتن را بعنوان یک قدرت مطلقه میانگاشت که مشروعیت یک حکومت موقت اسلامی و مشروعیت مردمی بودن ومشروعیت صلاحیت های منحصر بفرد مبارزاتی باو حق میدهد با هرآهنگی هرچند آهنگ انتقاد در داخل شورا باشد معامله مرتد و ضدمردمی و ... نموده و ... .

آنان با این محاسبات جنون آمیز خود را نماینده مطلق مردم ، نماینده مطلق امام زمان علیه السلام و تشکیلات خود را تنها تشکیلاتی که در عالمهستی میتواند ملت افغانستان را نجات دهد ، میدانستند .

این مشروعیت های کاذب چنان حضرات را مست و مخمور قدرت کرده بود که هرگاه مثلا" دریک درگیری با روحانیت مبارز گلاویز میشدند جبهه خود را جبهه امام حسین بن علی در کربلا و جبهه مقابل را جبهه شمر و یزید وانمود میساختند .

با این مقدمات دانستیم جنگ افروزی در جنگهای داخلی برای شورای اتفاق چه فلسفههای روانی ، عقیدتی داشته است . چهرههائی مانند : حاج نادرالله داد و ارباب غریب داد در حاشیه شورا بسیار یافت میشدند که با اندک بهانهای حاضر شوند بسر برادران عزیز و ارزنده روحانیون ، گروهها واحزاب اصیل ویا پاسداران جهاد اسلامی یورش برده و آنان را قتل عام نمایند ولی از همه گستاخ تر و بیشرمتر فرماندهی کل قوای شورا جناب سید جگرن است .

مدارک فراوانی در اختیار است که نامبرده (سید حسن جنرال) در جنگهای داخلی برضدروحانیت و طرفداران آنان و گروههای مبارز و متعهد چنان با شدت و قوت عمل میکرده که درمناطق مفتوحه اموال ملت فقیر و مظلوم را غارت ، اثاثیه بیوت و لوازم زندگی را به یغما برده و دریکی دومورد برای مایوس ساختن رقیبان حتی به نوامیس مردم تجاوز کرده است .

این باند تبهکار که خط مشی اصلی را جواسیس غرب گرفته بودند ، برای هیچ موجودی که در برابر هوا های نفسانی آنان کمر خم نکند ، کمترین ارزشی را قائل نیستند . اینها دنبالهرو همان فرانسویان وحشی و متجاوز هستند که درالجزایر آنهمه جنایت را مرتکب شد و ادامه دهندگان سیاست هائی میباشد که در لائوس ، کامبوج ، ویتنام و ... قتل عام ، تجاوز ، آتش زدن و سوزانیدن مردم جزو کارهای عادی وروزمرهشان بشمار میرفت .

ما اگر بخواهیم کلیه اسناد و مدارک وشواهد جنگ افروزیها ، اهانت ها ، تحریکات شورای

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۸- برادر سیدسجادی از لعل
۱۹- حجه الاسلام شیخ صابری از لعل
۲۰- برادر آقای شیرحسین اخلاقی از لعل
۲۱- برادر آقای تقدسی از کورگه
۲۲- برادر آقای مهدوی صدخانه از شهرستان
۲۳- برادر آقای ناصرشیخعلی
۲۴- حجه الاسلام آقای شیخ جمعه جوادی
۲۵- برادر آقای فاضلی از بندر
۲۶- آقای محمودی از پاسداران جهاد اسلامی
۲۷- آقای منتظری از پاسداران جهاد اسلامی
۲۸- حجه الاسلام صالحی از یکاولنگ
۲۹- حجه الاسلام شیخ ملیک از یکاولنگ
۳۰- حجه الاسلام شیخ حسین محقق از یکاولنگ
۳۱- حجه الاسلام شیخ محمدرضا مقدسی از یکاولنگ
۳۲- حجه الاسلام بصیری از دوآب
۳۳- حجه الاسلام شیخ علی جمعه احسانی از تهران
۳۴- آقای شیخ رجب جلالی از تهران
۳۵- حجه الاسلام شیخ محمدواعظی از ورث
۳۶- حجه الاسلام شیخ علی علامه از ورث (تحت نظر)
۳۷- حجه الاسلام شیخ ذکی از ورث (تحت نظر)
۳۸- حجه الاسلام شیخ عبدالله از ورث
۳۹- حجه الاسلام عالمی از سمت شمال
۴۰- برادر اکبر پادیزی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران

ب- مسایل فرهنگی و تبلیغی :

اصولا" شورای اتفاق در اکثر موضع گیریها ، برخوردهای سیاسی و فرهنگی و عملکردهای گوناگونش دو چهره متفاوت داشته است . ما قصد آن را نداریم که واژه نفاق ومنافق را بر تشکیلات شورا اطلاق کنیم ولی آنچه مسلم و مشهود بوده اینکه سران و نمایندگان شورا دارای چهره‌ها و ماسکهای مختلفی بوده و هستند و البته این پدیده معلول جریان گسترده نفوذیهای چپ و راست در پیکره این تشکیلات بوده است . از باب نمونه : آنان در نامه‌ها و طومارهائیکه به علما و شخصیت‌ها و مقاومت سیاسی ایران ارسال میکردند پیوسته دم از تقلید امام زده و مدعی میشدند که ما در محافل علمی و حزبی خود رساله تحریرالوسیله را تدریس میکنیم . آنان ازمواضع امام خمینی و اهداف انقلاب اسلامی ستایش میکردند و ... اما در گردهمآئی ها باخوانین و رجال سیاسی پاکستان و یا درنشستهای خصوصی با سران تنظیم نسل نوهزاره و حتی دربرخی سخنرانیهای خویش تنها چیزیکه مطرح نبود تقلید ازامام و تدریس تحریرالوسیله بود آنان در خفاء مواضع انقلاب اسلامی را بمسخره میگرفته مثلا" اینکه آمریکا شیطان بزرگ است و با سیاست نه شرقی نه غربی انقلاب را به عنوان سیاست های افراطی انتقاد میکردند .

از یکسو در ایران چنین وانمود میساختند که ما درافغانستان نیروهای اسلامی را تقویت و امدا کرده و با منافقین و مزدوران مبارزه میکنیم ولی عملا" همانطور که در لیست زندانیان شورا مشاهده کردید اکثر کسانیکه توسط این تشکیلات معیوب و مخدوش یا به شهادت رسیده و یا زندانی گردیده‌اند ، از مومنین متعهد و روحانیون مبارز وانقلابیون سازش ناپذیر بوده‌اند .

سران شورا همینکه افرادی از ایران بافغانستان رفته و ازنزدیک به زندانی کردن علماء و مومنین و مبارزین اعتراض می‌نمودند ، در جواب چنین اظهار میداشتند که : اینها که زندانی اند مانند شیخ عزالدین حسینی ها و شریعتمداریها و قطب زاده‌ها بوده و ما هر

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

کس که با امام خمینی کوچکترین اهانتی کند او را دستگیر و زندانی میکنیم ... اما واقعیت ملموسی که همه برادران و خواهران افغانی با همه وجود آن را درک کرده بودند این بود که زندانیان شورای اتفاق کسانی هستند که عمری را در راه خدا و مردم به تبلیغ وارشاد مردم و مبارزه با فحشاء مشغول بوده و گناهشان تنها این بوده که با استبداد مطلقه شورای اتفاق بمخالفت برخاسته تسلیم افکار و اندیشه‌های آقای بهشتی نمیشدند .

کمیسیون فرهنگی شورای اتفاق دو چهره داشت یکی چهره اسلامی خالص که در اکثر اعلامیه‌ها و بیانه‌ها ، با تمسک جستن بآیات قرآنی وروایات وارده از ائمه اطهار علیهم‌السلام و اشک تمساح ریختن برای اسلام و قرآن ازتشکیلات شورای اتفاق چنان سیمائی را نشان میداد که گویا تنها سازمان نیرومند اسلامی قرن چهاردهم هجری است . ولی نظر به قدرت و فعالیت مجاهدین خلق و مائوئیست‌ها درعمق کمیسیون فرهنگی ، عملکرد تبلیغاتی و فرهنگی این شورا عبارت بود از :

۱- تربیت قشری نسل جوان مسلمان و جلوگیری ازعمیق تر شدن بعد ایدئولوژیک مردم . قبلا" اشاره شد که در اثر سلطه حکومتهای نالایق و متعصب ملت افغانستان بخصوص مردم شیعه دچار یکنوع عقب ماندگی فاحشی شده بودند . شورای اتفاق که بر زمینه جهل و تعصب و عقب ماندگی مردم پایه‌گذاری شده بود ، اجازه نمیداد که مردم شیعه و بویژه نسل جوان و تشنه مسایل ایدئولوژی اسلامی ، از رشد فکری و سیاسی و عمق عقیدتی برخوردار گردند واین دو علت داشت یکی اینکه شورا میدانست که با آگاه شدن مردم از افکار واندیشه‌های ناب مرحوم آیه‌الله‌شهید مطهری و مرحوم دکتر علی شریعتی زمینه وجود شورا درذهنیت مردم ، منهدم میشود دیگر اینکه عناصر نفوذی چپ‌گرا میدانستند درشرایط بیسوادی وعقب ماندگی دینی و سیاسی مردم آنان بهتر خواهند توانست ، اندیشه‌های قرون وسطائی مارکس و مارکسیسم و مائوئیسم را تبلیغ و ترویج نمایند .

از سوی دیگر نباید غافل باشیم که ضمانت بقاء و استمرار پدیده خان بازی در بافت افغانستان و منطقه هزاره‌جات همانا دور بودن مردم از ایدئولوژی اسلامی اندیشه‌های انقلابی اسلام سطحی فکردن نسل جوان است و چگونه شورای اتفاق که بیش از ۵۰ درصد آن در قبضه خوانین مفتخوار و عیاش و مزدور است اجازه و جرات دارد ، اندیشه‌های ناب وخالص اسلامی و انقلابی را در جامعه گسترش دهد ؟ !

۲- عوامفریبی در تبلیغ دین حنیف اسلام و سوء استفاده از جهل عمومی برای تثبیت ارکان فکری شورای اتفاق جریان امر باینقرار است که در اکثر جوامع اسلامی نوعی فاصله فکری بین طبقه جوان تحصیلکرده و طبقه بزرگسالان و پیرمردان بچشم میخورد . در جامعه اسلامی افغانستان نیز این فاصله‌های فکری وجود دارد . نسل جوان و مخصوصا" طبقه تحصیلکرده بدلیل برخورداری از نشاط جسمی و روحی و توانمندیهای اجتماعی و تولیدی گرایش‌های تندی به فراگیری علوم و اندیشه‌های جدید و آشنائی با افق های نوین جامعه و جهان دارد . در افغانستان ، سران و سردمداران شورای اتفاق که درحقیقت نماینده نسل کهنسال اجتماعی است و بلحاظ منافع مادی و اقتصادی پاسدار طبقه سیاه کدخداها وخوانین

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

بشمار میرود ، چاره‌ای جز مقاومت در برابر گرایشهای نسل جوان ندارد . آنان جوانان تشنه و شیفته انقلاب اسلامی را با تازه‌ترین اسلوب‌های عوامفریبی به همان تفکرات و اندیشه‌های پوسیده طبقاتی دعوت میکردند که بستر اصلی رشد تضادهای طبقاتی جامعه است . آنان حتی از رودر رو قراردادن پدر و فرزند و تشدید اختلافات و کشمکش‌های موجود در خانواده‌ها ، دریغ نکرده و جوانان مشتاق آگاهی و بیداری را به تهمت‌های گوناگون ، متهم میساختند . البته این شگرد شیطانی ، دام مناسبی بود برای کمونیست‌ها و مائوئیستها که با استناد برخوردهای ناجور سران شورا آنان را با اسلام و انقلاب اسلامی بدبین ساخته و درمیان آن نسل عظیم عضوگیری و سربازگیری نمایند .

عوامفریبی مبلغین شورا نه تنها در صحنه تبلیغات اسلامی زیان بارترین لطمه‌ها را به نسل روبرشد و جوان هزاره‌جات زده بلکه در پهنه مبارزات سیاسی نیز تمسک بروشهای عوامفریبانه یکی از اصول استراتژیک شورا بشمار میرود . آنان با یدک کشیدن واژه روحانیت و مردمی بودن (که فلسفه آن را قبلا" یادآورشده‌ایم) در انظار جامعه بخصوص درخارج از افغانستان که معمولا" راه تحقیق و بررسی روی لاف و گزاف‌هایشان بسته است ، خود را یک جریان صددرصد مردمی طرفدار جامعه روحانیت و خط امام قلمداد میکردند . آنان سایر نیروهای متعهد در صحنه را مانند روحانیت مبارز و گروه‌ها و سازمانهای اصیل و متدین را به تهمت‌هائی چون ، ضد مردمی ، ضد روحانیت ، التقاطی ، روشنفکر ، ... متهم میساختند یکی از چهره‌های عوامفریبانه شورا در برخوردهای سیاسی این بود که بگمان خود هرکس یا هرنیروئی را که میخواستند از صحنه منزوی گردانند چنین گفتند که سازمان نصر افغانستان (این سازمان یکی ازدشمنان سرسخت شورای اتفاق از روز اول تاکنون بوده است) چون کلمه نصر در نام سازمان وجود دارد ، اینها نصرانی هستند و هرکس با شورای اتفاق بمخالفت برخیزد او را نیز عضو سازمان نصر و مرتبط با نصرانیت وانمود میساختند (خواننده توجه دارد که کلمه نصر یک واژه قرآنی است : نصرمن الله و فتح قریب) آنان با اینگونه عوامفریبی ها با مخالفین خودبرخورد میکرده‌اند .

قاعدا " خوانندگان از این گونه برخوردهای عامیانه بیاد داستان معروفی خواهند افتاد که یک دانشمند دلسوز در یکی از روستاها ، به‌روشنگری افکار مردم مشغول بوده است وبا این عمل منافع یک حقه‌باز عوامفریب را بخطر انداخته بود آن آدم فریبکار که میخواست دانشمند را در انظار عمومی ساقط گرداند ، جلسه‌ای ترتیب داد و درحضور مردم بیسواد از دانشمند سئوال کرد ماهیت مار این حیوان خطرناک را تشریح کن . او درجواب از نظر علم روز آنچه میدانست گفت سپس آن آدم فریبکار روی تخته سیاه شکل یک مار را ترسیم کرد و از مردم پرسید بنظر شما مار اینست که من ترسیم کرده‌ام یا آنست که او میگوید . بدیهی است که در انظار مردم بیسواد مار عبارتست از همان شکلی که او روی تخته سیاه کشیده بود بدینوسیله این آدم حقه‌باز فریبکار ، رقیب دانشمند و متفکر خود را از صحنه خارج کرد .

اکنون لازم میدانیم برای افشای ایندروغ آشکار شورای اتفاق که روحانیت را در جبهه

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

خود معرفی میکرد و مخالفین اش را ضدروحانی و ضداسلام قلمداد مینمود . لیست علمـــای اعلام و حجج اسلام و طلاب و فضلائی که از زمان داود با بینظرف مروج و مبلغ خط امام وطرفدار یک مبارزه جدی با استبداد و استعمار بوده‌اند را ارائه دهیم تا خوانندگان دریابنـــد در جبهه مقابل شورای اتفاق چه نیروهائی ارزنده و نستوهی حرکت میکرده‌اند .

قبلا" ازدو نفر از روحانیون مبارز بنامهای حجه‌الاسلام صادقی تیلی و محمداکبری نـــام بردیم و اکنون بذکر نام دیگران میپردازیم که زندگی سیاسی و اجتماعی شان از خدمـــت و ایثار و مبارزه و شهادت مشحون است :

لیست روحانیون مبارز و متعهده افغانستان

۱- حجه‌الاسلام آقای خلوصی	ازغزنی	۲۷- حجه‌الاسلام‌آقای عرفانی	ازیکاولنگ
۲- حجه‌الاسلام آقای فکری	ازغزنی	۲۸- حجه‌الاسلام‌شیخ رضا مقدسی	ازیکاولنگ
۳- حجه‌الاسلام آقای فکرت	ازغزنی	۲۹- حجه‌الاسلام‌شیخ محمدی	ازیکاولنگ
۴- حجه‌الاسلام‌آقای زاهدی	ازغزنی	۳۰- حجه‌الاسلام‌آقای رضوانی	ازدایکندی
۵- حجه‌الاسلام‌آقای حکیمی	ازغزنی	۳۱- حجه‌الاسلام‌شیخ حسین دانش	ازدایکندی
۶- حجه‌الاسلام‌آقای صالحی	ازغزنی	۳۲- حجه‌الاسلام‌شیخ حسین ناطقی	ازدایکندی
۷- حجه‌الاسلام‌آقای افتخاری	ازجاغور	۳۳- حجه‌الاسلام‌آقای شفق	ازکابل
۸- حجه‌الاسلام‌آقای اخلاقی	ازجاغور	۳۴- حجه‌الاسلام‌غلامحسین موسوی	ازکابل
۹- حجه‌الاسلام‌آقای رضائی	ازجاغور	۳۵- حجه‌الاسلام سیدروح‌الله	ازبلخاب
۱۰- حجه‌الاسلام‌آقای عاقلی	ازجاغور	۳۶- حجه‌الاسلام‌آقای عادلی	ازبلخاب
۱۱- حجه‌الاسلام‌آقای محقق	ازجاغور	۳۷- حجه‌الاسلام‌شیخ نبی محقق	ازبلخاب
۱۲- حجه‌الاسلام‌آقای ذکی	ازجاغور	۳۸- حجه‌الاسلام‌شیخ دولت رفیعی	ازپلخمری
۱۳-حجه‌الاسلام‌آقای احمدزاده	ازجاغور	۳۹- حجه‌الاسلام‌سید محمدشریفی	ازپلخمری
۱۴- حجه‌الاسلام‌آقای عبدالعلی‌مزاری	ازمزارشریف	۴۰- حجه‌الاسلام‌حاجی محمدمحقق	ازچهرکنت
۱۵- حجه‌الاسلام‌آقای سجادی	ازمزارشریف	۴۱-حجه‌الاسلام‌شیخ کاظم‌جعفری	ازدره‌صوف
۱۶- حجه‌الاسلام‌آقای حسینی	ازمزارشریف	۴۲- حجه‌الاسلام شیخ احمدی	ازدره‌صوف
۱۷- حجه‌الاسلام‌آقای ضامنعلی محقق	ازبهسود	۴۳- حجه‌الاسلام‌شیخ بنی احمدی	ازدره‌صوف
۱۸- حجه‌الاسلام‌آقای تقدسی	ازبهسود	۴۴- حجه‌الاسلام‌شیخ حسینعلی‌شریعتی	ازدره‌صوف
۱۹- حجه‌الاسلام‌آقای سیف واعظی	ازبهسود	۴۵- حجه‌الاسلام‌شیخ محمدعلیشاه	ازدره‌صوف
۲۰- حجه‌الاسلام‌آقای مشفق	ازبهسود	۴۶- حجه‌الاسلام‌شیخ‌حسین حسینی	ازدره‌صوف
۲۱- حجه‌الاسلام‌آقای ابراهیمی	ازبهسود	۴۷- حجه‌الاسلام‌شیخ‌موحدی	ازشهرستان
۲۲- حجه‌الاسلام‌آقای محمدابراهیم‌محقق	ازبهسود	۴۸- حجه‌الاسلام‌شیخ‌سرورصادقی	ازشهرستان
۲۳- حجه‌الاسلام‌آقای میرحسین صادقی	ازترکمن	۴۹- حجه‌الاسلام‌شیخ رضائی	ازسرپل
۲۴- حجه‌الاسلام‌آقای محمدی	ازترکمن	۵۰- حجه‌الاسلام‌شیخ عوض محقق	ازسرپل
۲۵- حجه‌الاسلام‌آقای فاضل	ازورث	۵۱- حجه‌الاسلام‌شیخ بتقوی	ازاورزگان
۲۶- حجه‌الاسلام‌آقای حیدرعلی محقق	ازورث	۵۲- حجه‌الاسلام‌شیخ غلام‌نبی مهدوی	ازفوخور

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵۳- حجه الاسلام شیخ صابری از علوسرجنگل ۵۶- حجه الاسلام شیخ مصباح از هرات
۵۴- حجه الاسلام شیخ غلامحسین از عبدلگان ۵۷- حجه الاسلام شیخ جبرئیلی از هرات
۵۵- حجه الاسلام شیخ عبدالهادی رضائی از شیخ میران ۵۸- حجه الاسلام بلاغی از غزنی

از عموم دانشمندان و روحانیون مبارز افغانی که نامشان بدلیل عدم اطلاع ما درج نشده معذرت خواسته امیدواریم باعث سوء تفاهم نگردد .

۳- ایجاد جو اختناق فکری وفرهنگی نسبت بهرکس که میخواست سخن حقی را بدون درنظرگرفتن مصالح ومفاسد شورای اتفاق بیان کند . آنان درکنار هریک از والی ها ولسوالیها جواسیس و مزدورانی میگمارند تا مبادا جریانی مستقل از شورا در شهرستانها و استانها شکل نگیرد و یا چنانچه والی ها ولسوالها دارای اندیشه مستقل وضمیری آگاه میبودند، بیرون از خط وربط شورا و برخلاف رهنمودهای آقای بهشتی عملی انجام میدهند کارآگاهان شورا با بینش سطحی و کم عمق که ازخصوصیات آنان است ، بناحق روحانیون سرشناس ومردمی ساده و متدین را بدام زندان و تبعید میانداختند . کوچکترین انتقاد ازریاست شورا جرم نابخشودنی بود که مرتکب آن بایدمدتها در زندان قرون وسطائی شورا زیروغل وزنجیر بسر برد .

آنان برای تنبیه افراد بتنفذ ومورد اعتماد مردم ، زندانیان را گاهی با بستن زنجیر بپاهایشان به کوه‌وتپه میبردند تا برای گرم کردن‌بخاری آیه‌اله‌بهشتی افغانی (رئیس شورا) بوته تهیه کنند .

جرم اکثرکسانی که لیست آنان قبلا" ارائه شد این بوده که ازعملکرد خوانین از تجاوزات خانها و مالکها در روستاها از اعمال ناجوانمردانه و ضدانسانی بعضی والی ها شورا ، در سخنرانیها انتقاد کرده بودند و بهمین جرم نابخشودنی درزندان شورا مورد ضرب وشتم و بدگوئی واهانت و تحقیر قرار گرفتند . گویا عوامل نفوذی که درتصمیم گیریهای شورا بی‌اندازه موثر بوده و بخصوص عوامل اطلاعاتی که در قبضه مائوئیست‌ها بوده‌اند ، ازاین طریق خواسته‌اند نفرت و انزجار مردم هزاره‌جات را از دین و دینداری و روحانیت بیش از پیش زیاد کنند .

قبلا" از مطلق نگری شورا در اعمال قدرت سیاسی - نظامی بحث شد . تشکیلات شورای اتفاق در برخورد با ناراضیان که بیشتر آنان افراد متدین و مستقل مناطق مرکزی بودند ، شیوه‌های دیکتاتوری و استبداد مطلق را بکار میبرده و از این رهگذر زهرچشم مخالفین خود راکه بنام التقاطی ، ضد روحانی و ... نامیده‌میشدند ، میگرفته‌اند .

جالب اینکه خط دهندگان اصلی شورای اتفاق که نفوذیهای خلقی ها ، پرچمی ها ، ستمی ها و تنظیمی ها و پدروطن ها بودند ، برای رد گم کردن و حفظ وحراست لانه‌های جاسوسی خویش در درون تشکیلات ، مخالفین شورا را بهمین نامها یعنی خلقی ، پرچمی ، شعله‌ای و .... متهم میساختند این شگرد ظالمانه ازیک ویژگی روانی دربین مردم سرچشمه گرفته‌بود .

مردم هزاره‌جات عموما" از احزاب و سازمانهای خلق و پرچم و شعله و ستم‌ملی و جبهه‌ملی و تنظیم سخت متنفر و بیزارند وچنانچه از وجود عوامل تشکیلات مزبور منطقه خودمطلع

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com The Digital Library

گردند به قلع و قمع آنان خواهند پرداخت . شاهد ونمونه زنده این تنفر را در منطقه جاغوری که چندی پیش مردم با تنظیمی ها گلاویز و آنان را خلع سلاح نمودند ، میتوان دید . بر این اساس ، سازمانها و احزاب یادشده که هرکدام در بخشی از تشکیلات شورای اتفاق جای پائی برای خود داشتند ، برای حفظ و حراست خویش و فریب دادن اذهان عمومی، مخالفین شورا را به خلقی و پرچمی و ... متهم میساختند تا درعین محفوظ نگه داشتن عناصر نفوذی خود در شورای اتفاق ، مردم را از نیروهای اصیل و متدین جامعه دور وبیزار گردانند . در پناه چنین شیوه‌های خطرناک ، استبداد و دیکتاتوری آقای بهشتی باوج خود رسید و مقدمات سرنگونی تاج و تخت او را فراهم آورد .

۴- قلب واقعیات موجود و تحریف اذهان عمومی : یکی از طرفندهای فرهنگی شورا این بود که ایادی مرموز و جاسوسهای نفوذی دشمن در شورا که از انزجار عمومی خودشان مطلع بودند ، اندیشه‌های مسموم خود را به روحانیونی بیسواد و ساده‌لوح که شامل اکثر قریب باتفاق شورا بود ، القاء مینمودند و ازاینطریق افکار منحرف‌کننده را توسط حلقومهائی ناآگاه از روی منابر ودر میان مساجد به اذهان پاک مردم میفرستادند ، مثلا" هرگاه میخواستند ، مسئله ولایت‌فقیه که یکی از اصول مسلم انقلاب اسلامی است خدشه‌دار نمائید شبهات و اشکالات بی‌اساس خود را رندانه به برخی افراد مهم و روحانی عضو شورا القاء میکردند و آنان ناآگاهانه ، اشکالات مزبور را در مجامع خصوصی و عمومی مطرح مینمودند ، از اینطریق ذهنیت عامه مردم که‌در عین بیسوادی ، اشتیاقی عاشقانه به ولایت‌فقیه ومقام رهبری انقلاب اسلامی داشته‌را مخدوش و مشتبه میساخته‌اند .

درادامه همین فرآیند شیطانی ، تشکیلات شورای اتفاق ، ازیک چهره ضدانقلاب اسلامی یک سیمای انقلابی و مردمی ساخته وبنیان عوامفریبی که یکی از معادلات داخلی شورا در مناطق مرکزی بود را تثبیت مینمودند . روحانی نمای افغانی بنام خدادادعرفانی یکی از منابع ساواک ایران و خلاب وابسته به سازمان امنیت ایران که دراوائل انقلاب درایران دستگیر و زندانی و خلع لباس شد توسط نمایندگان شورا در ایران بافغانستان برده شد و با پوشیدن لباس مقدس روحانی ، خود را به عضویت شورای اتفاق درآورد و در مجالس و محافل مذهبی شروع کرد به منبر رفتن و اینکه : من در ایران با شورای انقلابی اتفاق که رهبری آن را نیز آیه‌الله‌سیدعلی بهشتی بعهده دارد همکاری میکنم . شیاطین شورای اتفاق با چنین صحنه سازیهائی هم میخواستند درمقابل امواج روبافزایش نفوذ جناب آقای صادقی نیلی اشکال تراشی کرده وهم اینکه شورای انقلابی اتفاق را درخط وربط شورای انقلاب ایران قلمداد نمایند آنان برای رسیدن باهداف خویش اینگونه از وسایل نامشروع استفاده میکرده‌اند . اما عجب‌که در منطق مارکسیستها و مائوئیست‌ها که فرماندهان واقعی شورا بودند ، این نوع خطرناک که‌هدف وسیله را توجیه میکند از قدیم‌الایام ، مورد عمل و استناد بوده است .

ج - ارتباطات اجتماعی :

شورای اتفاق بغیر از یکسال اول تاسیس ، قبل ازاینکه آقای صادقی نیلی و اکبری و چند

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

تن از علمای مبارز برسم اعتراض از آن جدا شوند ، همواره با الهام از طبیعت فرصت طلبانه خود میکوشیده با نیروهای همسوی خود در ایران وپاکستان مرتبط گردد .

ارتباطات سیاسی و اجتماعی در منطق سران شورا. پیش از آنکه رابطه ایدئولوژیک ومردمی داشته باشد خاصیت خودنمائی و بلوف زدن وتثبیت پایه‌های لرزان شورا را داشته است .

براین اساس مشاهده میکنیم نماینده شورا درپاکستان حاج یونس مهرشورای اتفاق را که تاسیس اش بسال ۵۸ بود بتاریخ ۴۲ تنظیم وپخش نموده است . با اندک دقت در این تاریخ گذاری روشن میشود که سال ۴۲ تاریخ تاسیس شعله‌جاوید است . نماینده شورا با اطلاع ازاین واقعیت تاریخی اینگونه تاریخ تاسیس شورا را منحرف میسازد تا هم به‌سایر احزاب نشان دهد که تشکیلات ما از فلان تاریخ در صحنه سیاسی وارد شده و ازسوی دیگر شورا و شعله جاوید که هماهنگی و همسوئی شان بدلایل گوناگون ثابت شده از اینطریق هم بستری و هم آغوشی خویش را برای طیف هوادار شعله‌جاوید باثبات میرساند .

شورای اتفاق درزمینه ارتباطات اجتماعی بزرگترین خیانتی را که به اسلام و تشیع نمود این بود که برای اشباع غرائز سیاسی سران تشکیلات ، موجودیت چند جریان ضد اسلامی وضد مردمی که. برای ملت افغانستان هم چون کابوسی وحشتناک درآمده را عملا" ونه‌صریحا " برسمیت شناخت .

باندهای تبهکار تنظیم نسل نوهزاره ، اتحادیه‌مجاهدین درکویته ، شعله‌جاوید ، ستم‌ملی پرچم ، حزب خلق ، جبهه‌ملی پدروطن از جمله جریاناتی هستند که بدون سرپوشی چون تشکیلات شورای اتفاق جرات عرض اندام درمناطق هزاره‌جات را نداشته وندارند .

مردم متدین وسلحشور هزاره‌جات درطول تاریخ با قدرتهای شیطانی غربی وشرقی جنگیده ومی جنگند وهرگز قدرتی خارجی نتوانسته بودایادی وعمال وجواسیس خودرا درمنطقه مرکزی افغانستان اینگونه گستاخانه بمیدان بفرستد .

ولی شورای اتفاق که درالسنه رزمندگان نستوه افغانی بنام شورای نفاق معروف است با بیشرمی تمام بصورت یک لانه پوشیده وماسک ضخیم ، احزاب وجریانات مزبوررا زیرپوشش روحانیت وتشیع بداخل مناطق مرکزی وارد ساخت واین موجودیت های نامشروع توسط خوانین ومالکین ، ایادی وابسته به سازمان ، " سی ، آی ، ا ، " و" سی ، آی ، دی ، " پاکستان وجیره خواران عربستان سعودی ، مصر ، اردن وفرانسه درصحنه ظاهر شده وبه جنایت ودزدی ، جاسوسی ، آدمکشی ، ترورونخریب اشتغال یافته‌اند .

یکی از متحدین سیاسی ـ نظامی شورای اتفاق ، حرکت اسلامی افغانستان است که سرپرستی آن را شخصی بنام " آصف محسنی " که خودش را آیه‌الله ومجتهدعلی الاطلاق میداند ، بعهده دارد . مدارک واسناد نشان میدهدکه دراین اواخر روحانیت مبارزومردم آگاه هزاره جات واحزاب وگروههای اصیل افغانی بمقابله با خودکامگی وجنگ افروزی شورای اتفاق برخاستند آقای بهشتی با آقای محسنی که دریک مکتب فکری تربیت یافته اندپیمان سیاسی ـ نظامی منعقدساخت .

اکنون ما قصدبررسی جریان حرکت اسلامی را نداریم ولی چون درقلمرو وارتباطات اجتماعی

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

قرار میدهیم تا بدانند رابطه شورای اتفاق با حرکت از خطوطی عمیق تر نشات میگرفته تا قبلا" از وابستگی غیرمستقیم جریان شورای اتفاق به سیستم تفکر غرب و بویژه آمریکا مطلع شدیم اکنون می بینیم حرکت اسلامی نیز به قافله شورا ملحق میگردد و ممکن است برخی ساده اندیشان تعجب کنند ولی چنانچه به کتاب شماره ۳۰ اسناد لانه جاسوسی آمریکا که توسط دانشجویان پیروخط امام منتشر گشته مراجعه شود خواهیم دید که سازمان سیا توصیه میکرده که پول را به حساب حرکت اسلامی افغانستان برهبری آیه الله محسنی واریز نمایند. از سوی دیگر قهرمانان شرکت کننده در کنفرانس طائف کسی جز آقای آصف محسنی نیست و همه میدانند که کنفرانس طائف به تمهید آمریکا تاسیس شده و هدف آن متحد ساختن دولتهای باصطلاح اسلامی در مقابل انقلاب اسلامی بود.

در قلمرو ارتباطات، سرکله نماینده شورای اتفاق و حرکت اسلامی در اتحادیه ایکه طرفداران ظاهرشاه اخیرا" در پاکستان بوجود آوردند، پیدا شد و عکس ها و تماسا لهایشان در روزنامه های آنکشور منتشر گردید. هویت ظاهرشاه را هرکس میداند. و اتحاد شورای اتفاق و حرکت و چند حزب دیگر با طرفداران ظاهرشاه چه مفهومی میتواند داشته باشد، جز گسترش و نفوذ طیف های وابسته به غرب بمنظور لوث کردن مبارزات مسلحانه مردم دلیر افغانستان و بالاخص به زانو در آوردن مناطق آزاد شده هزاره جات.

اخباری که اخیرا" از پاکستان بدست رسیده حکایت دارد که در جلسات طرفداران ظاهرشاه فراری مسئله حکومت موقت مطرح شده و همینکه نماینده شورا موافقت خود را با آن اعلام میدارد ظاهرشاه پیغام میفرستد که چنانچه آقای بهشتی و سیدجگرن با دولت موقت موافق باشند ما حکومت موقت را اعلام کنیم.

از سوی دیگر آقای جاوید معاون شیخ آصف در پاکستان تلاش میکند تا از نیروی اسلامی تنظیم نسل نوهزاره و شورا و حرکت یک اتحادیه درست کرده و با اتحادیه سه گانه متحد شده زمینه اعلام دولت موقت ظاهرشاه را هموار سازند.

فصل آخر: سقوط شورای اتفاق عبرتی فراراه انقلابیون مسلمان افغانستان

قبلا" گفته شد که شورای اتفاق برزمینه جهل و تعصب و نفاق روئید و از موضع علو و استکبار شروع به کار کرد و بدون توجه به واقعیات روشن جامعه اسلامی افغانستان تکامل یافت و با اعمال شیوه های استبدادی در صحنه ظاهر شد و میرفت تا یک تفکر قرون وسطائی که بردوش خوانین و مالکان خونخوار تکیه داشت را بر مردم سلحشور و مومن وفدا کار را تحمیل سازد.

ولی از آنجا که بفرموده قرآن مجید :" یخربون بیوتهم بایدیهم وایدی المومنین " (خانه های خویش را بدست خود و بدست مومنان منهدم میسازند) با فت ناهمتجانس شورای اتفاق و زیربنا های سیاسی و فکری و اجتماعی آن و درگیر مستمر با روحانیت عزیز اسلام و همدستی اش با منافقین وابسته به شرق و غرب از همان روزهای اول پایه های این تشکیلات تحمیلی را سست میکرد. و در حقیقت هر روز که بر عمر شورا میگذشت یکقدم به سقوط نزدیک میشد.

روحانیت متعهد و مردم مظلوم مناطق مرکزی تدریجا" بماهیت آن آگاه میشدند و کسانه که

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

درولایات دوردست مانند غزنی قسمت جغتو وعلاء الدین وجاغوری وبهسودوترکمن ودایکندی ونیل و... زندگی میکردند از شورا فاصله گرفته واعلام جدائی مینمودند متقابلا" شورا روزبه روز برفشارهای خودمیافزودولی فشارهای اونه تنها کارساز نبود بلکه بعکس برآگاهی وبیداری مردم کمک میکرد ومخصوصا " پس ازآن که جمع کثیری ازبهترین روحانیون پاکباز اززندانی ساخت برتنفروا نزجارملت افزود، منجمله درولایت جاغوری ومرکز آن سنگ ماشه مردم والی شورا را بیرون کردندوخودوالی مستقل ومورد قبول را برولایت گماردند.

بمرورزمان وباا وج گیری دستگیری روحانیون مخصوصا " درمناطق پنجاب، ورث، یکاولنگ و....وبه صحنه واردشدن گروههای اصیل وانقلابی این انگیزه درعموم مردم شکل میگرفت که باید این لانه جاسوسان شرق وغرب را منهدم ساخت.

ولی سیستم رعب وخفقان که شورا دربرخی مناطق برپا ساخته بودچنان اقشارمردم را ازیکدیگر جداساخته بودکه مردم از رنج مشترک خوداز شورا با اطلاع نبودند.

خودبهشتی نیز خبرنداشت که مدتهاست با نیروی اندکی که درتپه بالای ورث براشباح حکومت میکندوحتی مردم ورث که نزدیکترین مردم به او بودنداورا رها ساخته اند.

ولی بالاخره خون دررگها جوشید ولاله‌های سرخ تشیع درصحنه های یک جنگ تحمیلی پرپر شد، آهنگ ها بهم نزدیک شد وآن روز موعودرا نزدیک ساخت تا اینکه بالاخره سیدعلی بهشتی از ورث فراروبسمت ناهورمرکز فرماندهی کل قوای شورا درحال سقوط" سیدجگرن " عزیمت نمود.

تپه‌های بالای ورث که چندسال نقطه امید جواسیس شرق وغرب بودفروریخت ومومنان نستوه ومجاهدوخداجوبراسنادومدارک سیاه که درآینده به اطلاع مردم خواهدرسیددست انداختند.

اکنون درحالیکه رئیس شورای اتفاق ومشاورنظامی او دربدروآواره درناهوربمحاصره انقلابیون مسلمان درآمده ونفس های آخررا میکشند، دولت پاکستان که بنمایندگی آمریکا سالهاصدها تن از بهترین جوانان اسلام رابخاک وخون کشیده شش هزارقبضه اسلحه همراه با شش هزارمین ضدنفرلب مرز آماده وبه خواستین ایکه از مناطق هزاره جات فرارکرده اند توصیه میکندکه اسلحه راگرفته وبازگردند.

بدینسان یک کابوس سیاه ویک مانع بزرگ از سرراه مبارزات اسلامی ملت دلیرافغانستان برداشته شد، تا ببینیم آینده چه خواهدشد؟

((پیشنهادات))

الف- به دولت جمهوری اسلامی ایران :

۱- همانگونه که حضرت امام خمینی وفقیه عالیقدر مکررا " توصیه فرموده اند باید به مردم محروم وروحانیت مبارزوگروههای اصیل وانقلابی افغانستان، احترام وعظمت وشخصیت واستقلال بیشتر قایل شد ودرتصمیم گیریهای مربوط به پیشرفت جنبش

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

مردم مسلمان آن دیار ، بیش از حمایت وپشتیبانی مادی ومعنوی که درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تصریح شده ، دستگاههای اجرائی کشورحق دیگری برای خودقائل نبوده واز هرگونه دخالتی که منجربه اصطکاک باخواستههای بحق انقلابیون مسلمان افغانستان گرددجدا " اجتناب ورزند .

البته مردم محروم ومظلوم وانقلابی آنکشورنسبت به خط امام ومقام رهبری انقلاب ونظارت روحانیت متعهداسلامی به اندازه کافی ارزش واهمیت قایل است .

۲- دربرخوردبا مسائل سیاسی انقلاب افغانستان از پیشداوری های ذهنی که باشرایط عینی آنکشور سازگارنیست خودداری شده وکوشش شود هرچه بیشترواقع بینانه ومنطقی مسائل جنبش اسلامی مردم افغانستان تحلیل وبررسی گردد . برهرفردآگاهی روشن است که بافت اجتماعی ودینی وسیاسی واقتصادی آنکشوروجایگاه عوامل گوناگون فکری مانند فرهنگ روحانین و... تفاوت کلی باترکیب همان نیروها درایران دارد وامکان برخوردمشابه ویا کپیه شده از وضع داخلی جمهوری اسلامی ایران درافغانستان وجودندارد . البته این پیشنهادمنافات بااین واقعیت ندارد که مکانیزم یک تحول اجتماعی وانقلاب ضداستکباری درهمه جهان یکسان است ولی بحث برسرتطبیق باشرایط عینی هرجامعه است .

۳- چنانچه بخواهیم حمایت از حرکت مردم مسلمان افغانستان راتحت عنوان مدورانقلاب توجیه نمائیم نباید به جبرو زورمتوسل شد بلکه می بایست باشرح صدراسلامی که رسالت هرفرد مسلمانی درهرگونه برخوردا جتماعی است ، بگونهای عمل نمائیم که ملت رشید افغانستان عاشق وشیفته انقلاب اسلامی وخط رهبری گرددنه اینکه از یک موضع قدرت بخواهیم یک تفکر واندیشه ای برآنان تحمیل سازیم .

۴- دستگاههای اجرائی چنانچه از اعمال تعصبات مذهبی ونژادی برحذرباشند بهترمیتوان حتی مشکلات مرزی واجرائی برادران وخواهران مسلمان افغانی راحل وفصل نمود . نباید دربرخوردها چنین انتزاع شودکه ایرانیت بعنوان یک نژاد یاتشیع بعنوان یک مذهب عامل انفصال وجدائی دوملت ایران وافغانستان تلقی گردد . اگردرتنظیم مواضع وبرخوردها این نکته بدقت مراعات نگرددباید مطمئن بودکه مجانا " آب رابه آسیاب دشمن خواهیم ریخت .

۵- درتبلیغات سعی شوداز جنبش مردم مسلمان افغانستان که باعث مهاجرت شرافتمندانه جمعی از برادران وخواهران افغانی به ایران وپاکستان گشته ، بعنوان یک مشکل اقتصادی واجتماعی تلقی نگردد . باید چنان درتبلیغات داخلی وبین المللی هوشیارباشیم که گویا تلاقی مهاجرین وانصار یکبارديگردرحال تکرارشدن است وبهمان شیوه معمول درصدراول اسلام برهبری پیامبربزرگوار اسلام مانیز عمل کنیم . تعبیرآوارگان بجای مهاجرین وسرازیرشدن انبوه کثیری از مردم محروم وستمدیده بسوی کشوررا عاملی درجهت افزایش مشکل مسکن ، کار ، بهداشت ندانیم .

بدیهی است که درمیان مهاجرین عزیزافغانی یک طیف خلافکاروسودورکه توسط سازمانهای

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

جاسوسی شرق وغرب هدایت میشوند ، وجوددارد وتلاش میکنند مقامات اجرائی کشورما را به برخوردهای تندوخصمانه با مهاجرین افغانی سوق دهند .

۶- تعددمراکزقدرت وتصمیم گیری درایران باعث نگرددکه جریانات پراکنده را درافغانستان تقویت کنیم ومبادا بدون تحقیق هرمدعی انقلابیگری راچنان رشد دهیم که مانعی برسرراه جنبش اسلامی افغانستان پدیدارگردد .تقویتهای قابل توجهایکه درگذشته به شورای اتفاق وحرکت اسلامی درایران انجام شد ، وامروز چهره سیاه ونفرت باردوگروه مزبور برهمه عیان شده ، بهترین درس وآموزش است که دیگرچهره‌های فداکارومبارزومتدین که معمولا" محروم ومحبوب ترازدیگرانند رافدای بلوف ها وخودنمائی های فرصت طلبانه این وآن نکنیم . بهترین راه این است که دولت جمهوری اسلامی تحت هدایت روحانیت مبارزومتعهدایران ، گروه‌های شناخته شده وانقلابی راطبق ضوابط پذیرفته شده اسلامی به وحدت کامل دعوت نماید . وهرگز فراموش نکنیم که انقلاب افغانستان دریک خط بین - المللی دررديف مهم ترین نقاط استراتژیک سیاستهای شرق وغرب قرارگرفته وتسامح نسبت به آن واقعا " زیانها راست .

۷- درتصمیم گیریهای سرنوشت ساز نسبت به مسائل انقلاب افغانستان که لورفتن ویانرفتن اسرارمبارزین مسلمان افغانستان بمنزله مرگ وزندگی برای آنان محسوب میگردد مقامات تصمیم گیرنده باید هوشیاربوده وبدانند سرنوشت تصمیم گیریها را به ارگانها واشخاص ذیصلاح ومطمئن بسپارندتا مبادا با یک سهل انگاری وقصوروبی تفاوتی بخشی ازاسرارمبارزه بدست دشمنان جنبش اسلامی افغانستان وسازمانهای جاسوسی شرق وغرب نیفتد . باید آگاه باشیم که به احتمال قوی عناصرنفوذی ووابسته به سیاستهای بیگانه همانگونه که درصددضربه زدن به انقلاب اسلامی درایران بوده وهستند ، نسبت بمبارزات آزادیبخش افغانستان نیز درکمین نشسته اندبا این تفاوت که لورفتن برخی اسرار انقلاب درایران هرچندبسیارگران خواهدبودولی چون یک ملت بزرگ ونیروهای میلیونی از انقلاب حمایت میکنند ، قابل جبران میباشد اما درافغانستان چنانچه اسامی رهبران حقیقی مبارزات وبسا اسرارتشکیلاتی وجریانات مخفی جنبش بدست مزدوران وجواسیس بیفتد گاهی باضمحلال حرکت انقلاب واحیانا " به عقب افتادن ده سال پیروزی آنان منتهی خواهدشد .

ازابتروامناسب است دولت جمهوری اسلامی بجای اینکه عامل هماهنگی های اداری درایران را ملاک تصمیم گیریهای استراتژیک درافغانستان بداند ، عامل صلاحیت اشخاص وهوشیاری افراد تصمیم گیرنده را مبنا ربرخوردبا مسائل مهم جنبش اسلامی افغانستان تلقی نماید .

ب - پیشنهاد به مهاجرین عزیزافغانی درایران :

۱- عامل اصلی مهاجرت شما از وطن خویش ، جنگ ناخواسته‌ای بودکه اشغالگران روسی ودولت مزدورمارکسیستی برضد ملت مسلمان افغانستان براه انداخته اندتا شما را ازهویت وفرهنگ اسلامی دورساخته ومنابع زیرزمینی وارزشهای اجتماعی کشورعزیزتان را به تاراج برند ، لذا شما عزیزان برای مایوس ساختن دشمن وجلوگیری از پیروزی او باید باتماس گرفتن با روحانیت بزرگوار وعلمای اعلام (علمای سنی وشیعی) رابطه ناگسستنی خویش

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

را با هویت فرهنگ اسلامی حفظ کرده وبه جهانیان نشان دهیدکه مهاجرت وآوارگی کمترین ضربه‌ای به هویت دینی وملی شما واردنساخته وهم چنان رشید ومقاوم درصحنه پیکار با دشمنان اشغالگرآماده‌اید.

۲- مطمئن باشید که همان دست‌های پشت پرده ومرموزیکه ملت افغانستان را بجان هم انداخته افرادی با صالح وجاسوس را بدورن جمع شما فرستاده تا چهره اسلامی ومردمی شما را، درانظار ملت مسلمان وبرادرشما درایران مخدوش سازند. این عناصرنفوذی وخلافکار با دست زدن به سرقت، قتل، قاچاق فروشی و... قصد دارند همه مهاجرین رابدنام ومنفور سازند برشماست که حساب خودرا از آنان جداکرده وحتی الامکان از دوستی ونزدیکی با خلافکاران برحذرباشید. بدانید که دولت جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد تا سرحد امکان به مهاجرین افغانی خدمت کند ولی اگرتاکنون نتوانسته انتظارات شما را برآورده سازدیکی عامل جنگ خانمان سوزعراق علیه جمهوری اسلامی موثربوده ودیگر اینکه همان عناصر خرابکار ومتخلف ذهن مقامات را نسبت به مهاجرین از وطن رانده مشوش ساخته اند.

۳- شما باید تصدیق کنید که هر دولتی برای برقراری نظم وآرامش وامنیت عمومی ناچاربه وضع قوانین ومقررات میباشد، بدیهی است که اجرای مقررات عمومی برای شما محدودیت هائی دررفت وآمد، کاروکسب واسکان ومسافرت به وطن بوجود خواهد آورد. طبعاً امکان دارد دراجرای مقررات مزبور شرایط واقعی شما ورنج ومحرومیت وتلخ کامی های شما منظور نگشته باشد ویا برخی مسئولین اجرائی حق شما راکاملا نشناخته ومراعات ننمایند باید هوشیارباشید که اینها ربطی به اصل انقلاب اسلامی نداشته ونباید قصورها یا تقصیرها رابحساب ملت مسلمان ایران بگذارید.

مطمئن باشیدکه انقلاب اسلامی وملت مسلمان ایران دوست وهوادارشما بوده ودرهرشرایطی از حقوق حقه ملت افغانستان دفاع کرده وخواهدکرد.

۴- هرچند کشورایران از دیدگاه ما وطن شما بشمارمیرود وهیچ تمایزقومی ویا مذهبی درجمهوری اسلامی نسبت به برادران وخواهران افغانی وجودندارد ونباید وجودداشته باشد ولی سعی کنید ملت خویش وخون صدها هزارشهید مسلمان راکه درجبهات جنگ با روسیه اشغالگرریخته شده فراموش نکرده خودرابه آنان متعلق دانسته واز جذب شدن به شرایط رفاهی وزندگی درایران برحذرباشید زیرا ازدیدگاه ما شما نمایندگان ملتی ستمدیده ومظلوم هستید که درشرایط بسیارمصیبت باری، بارسنگین جهان اسلامی رابدوش کشیده وبرای بثمررساندن جنگ آزادیبخش به وجودشما ودستآوردهای مادی ومعنوی شما نیازمبرم دارد.

ج- پیشنهادبه روحانیون متعهدوگروههای اصیل وانقلابی افغانستان:

۱- روحانیت عزیزافغانستان از شیعه وسنی باید متوجه باشندکه رسالت حقیقی آنان درایران، هدایت وراهنمائی مهاجرین بوده وعلاوه برآن وظیفه سازماندهی ورهبری مبارزات رهائی بخش درداخل یکی از مهم ترین مسئولیت آنان بشمارمیرود. همانگونه

Scanned by CamScanner

(c) ketabton.com: The Digital Library

که از رهنمودهای پیامبرگونه امام امت شنیده‌اید روحانیت بزرگوار اسلام هرگز نباید رسالت الهی و اخلاقی و اجتماعی خویش را با مسائل جنبی وجزئی وفرعی که از شئون جامعه روحانیت بدوراست ، مخلوط سازید .

ایجاد یک رابطه عقیدتی وفکری با مقام مرجعیت ورهبری انقلاب وحوزه های علمیه در ایران وبهره گیری از تجارب انقلاب اسلامی وانتقال دادن آن به جامعه اسلامی افغانستان یکی دیگر از رسالت های شما محسوب میشود .

۲- مراقب باشید در ارتباط با گروههای اصیل ومتعهد دچار ذهنیت های تنگ نظرانه وبدبینانه نشده با شرح صدر اسلامی همواره هوادار حق باشید . برخی وسوسه های کودکانه مبنی برطرد نیروهای سازمان یافته وتکشیلاتی وجذب نیروهای مردمی که به غلط از فرمایشات حضرت امام برداشت شده است مخالف با شئون اسلام وانقلاب اسلامی است . زیرا اولا " مخالفت شدید مقام رهبری با وجود احزاب سیاسی در ارگانهای نظامی وانتظامی ایران ، هیچ ربطی به مسئله گروههای مبارزاتی افغانستان یا انقلاب های دیگر ندارد .

در این نکته که هر انقلاب ونهضتی چنانچه بخواهد با پیروزی قرین باشد باید مردمی بوده وبا توده‌های میلیونی محرومین همسو وهماهنگ باشد ، جای هیچ گونه شبهه‌ای نیست ولی نباید این واقعیت را جدای از واقعیت دیگر دانست که نیروهای مردمی مخصوصا " در انقلابی همچون جنبش افغانستان که هنوز تا پیروزی مسافت زیادی دارد چنانچه فاقد نظم وسازماندهی وتشکیلات باشند نخواهند توانست فرشته پیروزی را به آغوش بگیرند .

وجود تشکیلات در جنبش مردم مسلمان افغانستان یک امر حقی است ولی باید مراقب بود که بجای حق گرائی گروه گرائی بر برادران عضو گروهها مستولی نگردد .

۳- برگروههای اصیل ومتعهد لازم است که هرچه بیشتر در امر سازماندهی وتشکل نیروها جدیت نشان داده وضوابط پذیرش وگزینش را بگونه‌ای تنظیم نمایند که حداکثر نیروهای مخلص مردمی بتوانند بعضویت تشکیلات درآمده وبفیض انقلاب مستفیض گردند . چنانچه تشکیلات را وسیله‌ای درخدمت اسلام ومسلمین دانسته واز مطلق شدن حزب و ... شدیدا " جلوگیری کرده تصور نتمائیم همه ارزش ها درجمعیت وحزب وسازمان ما خلاصه شده است ، در این صورت خواهیم توانست پیشتاز مبارزات مردمی بوده باشیم وبه وظیفه شرعی وانسانی خود عمل کرده باشیم .

۴- نباید تصور کرد که بین روحانیت مبارز اسلام واحزاب و گروههای اصیل تناقض وتضادی وجود دارد بلکه بعکس چنانچه سازماندهی ونظارت بر تشکیلات های انقلابی بعهده روحانیون آگاه ومتعهد در آید از خطر انحراف های عقیدتی ولغزشهای سیاسی مصون تر خواهد ماند اما در عین حال یک نکته را نباید فراموش سازیم ، که نباید روحانیون در احزاب سیاسی ومبارزاتی حل شوند وشئون روحانی خود را قربانی امور تشکیلاتی سازند . احزاب هرچه خوب تر وصالح تر باشند بالاخره روحانیت ویک عالم اسلامی نباید در تار وپود تشکیلات هضم شود .

دفتر حمایت از نهضت اسلامی افغانستان

تهران - مهرماه ۱۳۶۳

Scanned by CamScanner

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library